

# نشریه الکترونیکی پژوهش‌های دانشجویی در حوزه علوم تربیتی

## عناوین مقالات:

۱. تطبیق روش‌های تربیتی امام سجاد(ع) و روش‌های تدریس نوین

۲. عباس(ع) جوان حماسه ساز عاشورا

۳. تبیین نقش معلمی حضرت زینب (س) در رمزگشایی پیام عاشورا

۴. زنان عاشورایی و دختران شیطان، بررسی نقش مثبت و منفی زنان در واقعه عاشورا

۵. بررسی ویژگی‌های الگویی امام حسین (ع) به عنوان معلم

ویژه نامه  
همایش  
سلوک  
ادعوانی




دانشگاه فرسکیان  
پرویس شهید باهنر

تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۳۹۴  
شماره مجوز: ۶۰۰/۷۱۳۰/۵۰۰/د  
سال دوم، شماره چهارم

Emagazine student research



וְעַתָּה  
שֶׁנֶּחֱמָה  
וְנִחְמָה  
וְנִחְמָה

The image features four lines of text in a bold, stylized Hebrew font. The first line is 'וְעַתָּה' (V'etah), the second is 'שֶׁנֶּחֱמָה' (She'nechemah), the third is 'וְנִחְמָה' (V'nichmah), and the fourth is 'וְנִחְמָה' (V'nichmah). The text is decorated with several star-shaped symbols. A large, hollow star is positioned to the left of the third line. A smaller, hollow star is positioned to the right of the third line. Two small, hollow stars are positioned below the fourth line.

## مجوز:

نشریه الکترونیکی پژوهش های دانشجویی زیر نظر معاونت پژوهشی سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان به منظور زمینه سازی در جهت ارتقای علم در حوزه ی تربیت معلم به استناد راهکارهای برنامه ی راهبردی دانشگاه و پیروی بند چهارم بخشنامه ی شماره ی ۵۰۰۰۰/۱۷۰/۰۰۶ مورخ ۹۳/۱/۲۴ در نظر دارد شرایط و زمینه های لازم برای انتشار مقالات علمی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان را فراهم نماید.

موضوع و هدف این نشریه کمک به رشد آگاهی عمومی در زمینه های تربیت معلم، آموزش های نوین در زمینه علوم تربیتی، صلاحیت های معلمی، تجارب معلمی، تحولات جهانی، مهارت های خاص رشته ی علوم تربیتی، مدرسان، دانشجو معلمان، دانش آموزان و سایر حوزه های ماموریت دانشگاه فرهنگیان در پرورش معلمان متعهد و متدین در عین داشتن سلامت روان می باشد.

لذا از کلیه دانشجو معلمان در جهت ارتقای علمی دانشگاه فرهنگیان تقاضا می شود مقالات برگزیده ی خود را جهت چاپ در این نشریه به آدرس [cfu.nashrie@chmail.ir](mailto:cfu.nashrie@chmail.ir) ارسال نمایند.



مدیرمسئول: نسرین رنجبراسفیجر

سردبیر: سحر دوستی راد

صفحه آرایی و طراح جلد:

مریم طالب دوست

هیئت تحریریه: سمیرا افضلی

پرپسا سعادت

فائزه شورگشتی

هانیه مهرآبادی

نظارت علمی: مهری اعزازی

نظارت ادبی: زکیه رشید آبادی

نشانی: مشهد، میدان تلویزیون، ابتدای رضاشهر،

دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد

تلفن: ۰۵۱-۳۸۷۸۳۹۹۸

رایانامه: [map9237@yahoo.com](mailto:map9237@yahoo.com)



## فهرست مقالات

- ۷ ..... **تطبیق روش های تربیتی امام سجاد(ع) و روش های تدریس نوین**  
ملیحه فانی، زهرا دیانت، عاطفه عسکری - دانشجویان رشته علوم تربیتی، گروه ۹۲۲۶، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید کامیاب
- ۱۶ ..... **عبّاس(ع) جوان حماسه ساز عاشورا**  
بهاره شیبانی، حمیده عباسی، رویا عرب، الهه زنگنه - دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد
- ۲۸ ..... **تبیین نقش معلمی حضرت زینب (س) در رمزگشایی پیام عاشورا**  
محدثه مباشری، مهرروز میرزائیان - دانشجویان دانشگاه فرهنگیان
- ۴۰ ..... **زنان عاشورایی و دختران شیطان، بررسی نقش مثبت و منفی زنان در واقعه عاشورا**  
فایزه اعتمادی، شادی شفیعی زاده - دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد
- ۵۱ ..... **بررسی ویژگی های الگویی امام حسین (ع) به عنوان معلم**  
محبوبه صانعی، فاطمه فروتن، مهدیه کیوانپور، فاطمه زمندی - دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد



## تطبیق روش های تربیتی امام سجاد(ع) و روش های تدریس نوین

ملیحه فانی<sup>۱</sup>، زهرا دیانت<sup>۲</sup>، عاطفه عسکری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی رشته علوم تربیتی، گروه ۹۲۲۶، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

<sup>۲</sup> دانشجوی رشته علوم تربیتی، گروه ۹۲۲۶، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

<sup>۳</sup> دانشجوی رشته علوم تربیتی، گروه ۹۲۲۶، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

[Faani.malihe@gmail.com](mailto:Faani.malihe@gmail.com)

استاد راهنما: زینب علیزاده

### چکیده

اسلام کامل ترین شناخت را در انسان به عنوان موضوع اصلی تعلیم و تربیت ارائه می دهد و این شناخت در سیره و سنت امام سجاد(ع) به وضوح ارائه شده است که خود الگوی مناسبی برای حرکت در مسیر اسلام می باشد. این مقاله در پی بررسی جلوه های معلمی پس از واقعه عاشورا با برگزیدن سیره تربیتی یکی از شخصیت های برجسته این واقعه، امام سجاد(ع)، با هدف تطبیق میان روش های تربیتی امام سجاد(ع) و روش های تدریس نوین است. روش تحقیق در این مقاله، تطبیقی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و اسنادی است. این مقاله به منظور پاسخگویی به این سؤال که روش های تدریس نوین تا چه اندازه می تواند قابل انطباق با روش های تربیتی امام سجاد(ع) در عصر خویش باشد؟ تالیف شده است. در این راستا ضمن پرداختن به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اخلاقی زمان امام سجاد(ع)، به تطبیق برخی روش های نوین تدریس با شیوه امام در تربیت یاران و شیعیان ایشان پرداخته می شود.

**واژگان کلیدی:** روش تدریس اکتشافی (discovery method of teaching)، روش تدریس ایفای نقش (role playing)، روش های تقلید آگاهانه، رفق

و مدارا، ابراز توانایی

## مقدمه

فرایند تدریس - یادگیری سابقه ای طولانی دارد. دانش و مهارت های انسان در ابتدا بسیار محدود و روش های انتقال آن از والدین و بزرگسالان به خردسالان نیز بالطبع ساده و پیش پا افتاده بوده است. با گذشت زمان و پیشرفت علم، روش های انتقال آن نیز توسعه یافت و انسان به روش های ابتدایی گذشته اکتفا نکرد و بنا به مقتضیات زمان و فرهنگ هر سرزمین، آن ها را تغییر و توسعه داد.

تدریس به منزله تخصیص زمان، انرژی و تلاش توسط معلم به منظور بهتر زندگی کردن در زمان حال و آماده سازی یادگیرندگان برای آینده است. (عبداللهی، ۱۳۸۷: ص ۷۱) البته برای تدریس تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله: تدریس به آن قسمت از فعالیت های آموزشی گویند که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد و دارای ویژگی هایی چون تعامل بین معلم و دانش آموز، فعالیت بر اساس هدف های معین، طراحی منظم و ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری است. (مرتضوی زاده، ۱۳۸۸: ص ۲۲) تدریس را می توان به منزله فعالیت حل مسئله نیز نگریست، یعنی فعالیتی که عبارت است از حل مستمر مسایل مربوط به برقراری ارتباط، آموزش، انگیزش، مدیریت کلاس و... . همچنین طبق تعریف گیج (GAGE)، تدریس عبارت است از هر فعالیتی از جانب یک فرد که به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می پذیرد. (عبداللهی، ۱۳۸۷: ص ۷۰)

در دنیای اسلام به دلیل اهمیت آموزش و تعلیم، از ابتدای سکونت پیامبر (ص) در مدینه مهم ترین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان مسجد بود که در آن مدرسان بزرگ به کار تعلیم و تربیت مشغول بودند. پس از آن نیز هر یک از استادان در مساجد مختلف حلقه هایی تشکیل می دادند و در آنها به تعلیم عمومی دروسی چون حدیث، قرائت قرآن، علوم عربی و فقه می پرداختند. (عبداللهی، ۱۳۸۷: ص ۷۰)

امامان شیعه (ع) نیز همواره از آموزگاران زمانه خویش بودند. از جمله آموزه های ائمه معصومین (ع) که در طول تاریخ بنا به مقتضیات زمان مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت، شیوه های امام سجاد (ع) است. ایشان برای نگه داشتن یاد واقعه جانسوز عاشورا و استواری پرچم اسلام با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خویش، روش های تربیتی خاصی را برگزیدند و علمای بصیر بسیاری را برای دوره های بعد از خود پرورش دادند. با بررسی و مطالعه تالیفات و تحقیقات در ارتباط با موضوع فوق آنها را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. پژوهش هایی در بعد تربیتی با تکیه بر صحیفه سجاده و رساله حقوقی امام سجاد (ع) که محتوای این پژوهش ها در زمینه اهداف، اصول و روش های تربیتی و سیره تربیتی امام سجاد (ع)، حقوق معلم و شاگرد از دیدگاه این بزرگوار است.<sup>۱</sup>
۲. پژوهش هایی که شامل زندگانی امام سجاد (ع) و آشنایی با اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امامت ایشان است.<sup>۲</sup>
۳. دسته سوم پژوهش هایی در باب روش های تدریس، چگونگی اجرای آنها و آرای صاحب نظران تربیتی غرب را شامل می شود.<sup>۳</sup>

۱. میرقادر، سید فضل الله، تابستان ۱۳۸۴، "ادبیات سخنان امام سجاد (ع) و صحیفه سجاده"، اندیشه دینی، شماره ۱۵/ سلمان پور، محمدجواد، زمستان ۱۳۸۴، "فرهنگ سازی امام سجاد (ع) با زبان دعا"، اندیشه دینی، شماره ۱۷/ اسماعیلی ایولی، علی، شهریور ۱۳۸۸، "روش های تربیتی در سیره امام سجاد (ع)"، معرفت، شماره ۱۴۱/ عسکری، سیدمرتضی، ویژه محرم ۱۳۸۶، "سیره امام سجاد (ع)"، پیام، شماره ۸۶/ سبحانی نژاد، مهدی؛ علین، حمید، تابستان ۱۳۸۵، "درآمدی بر ابعاد و زمینه های تربیت در صحیفه سجاده"، مشکوه، شماره ۹۱/ زنگویی، علیرضا، آذر و دی ۱۳۹۰، "بصیرت آفرینی در سخن و سیره امام سجاد (ع)"، مبلغان، شماره ۱۴۷/ جعفری، میرشاه؛ مقامی، حمید، تابستان ۸۴، "رهیافت به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده"، اندیشه دینی، شماره ۱۵/ مرزوقی، رحمت الله، تابستان ۱۳۸۴، "انسان و تربیت از منظر صحیفه سجاده"، اندیشه دینی، شماره ۱۵/ پهلوان، منصور، پاییز ۱۳۸۴، "مبانی اخلاقی در صحیفه سجاده"، سفینه، شماره ۸/ ابراهیمی فر، علی اصغر، شهریور ۱۳۸۱، "مبانی، اصول، روشها و اهداف تربیتی در صحیفه سجاده"، معرفت، شماره ۵۷/ یوسفیان، نعمت الله، تابستان ۱۳۹۰، "از زلال صحیفه (۱) آشنایی اجمالی با صحیفه سجاده"، پیام، شماره ۱۰۶/ همت بناری، علی، آبان ۱۳۷۰، "امام سجاد (ع) و تربیت فرزندان (۲)"، فرهنگ کوثر، شماره ۲۰/ همت بناری، علی، آذر ۱۳۷۷، "امام سجاد (ع) و تربیت فرزندان (۳)"، فرهنگ کوثر، شماره ۲۱/ بهشتی، سعید؛ داوودی، پریچهر، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، "تربیت اخلاقی بر مبنای دعای مکارم الاخلاق امام سجاد (ع)، پژوهش های تربیت اسلامی، سال دوم و سوم، شماره ۱ و ۴/ نادری، امیر؛ آرای، حمیدرضا؛ شیرزاد نشلی، حمیدرضا، پاییز ۱۳۹۲، "شیوه های تعلیم و تربیت از منظر امام سجاد (ع) با تکیه بر صحیفه سجاده"، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۲۶/ یوسفیان، نعمت الله، زمستان ۱۳۹۰، "حقوق شاگرد بر استاد و مربی از نگاه امام سجاد (ع)"، مریان، شماره ۳۹/ پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، شعبان ۱۴۳۳، "آموزه های تربیتی در نیاپشهای امام سجاد (ع) (۱) بخش اول: خطر لغزشها"، مبلغان، شماره ۱۵۴/ هاشمی شاه قبادی، سیدرضا، پاییز زمستان ۱۳۹۰، "سیره تربیتی امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق"، نیستان ادیان و مذاهب، شماره ۳

۲. طبسی، محمدمحسن، پاییز ۱۳۸۳، "امام سجاد (ع) از دیدگاه اهل سنت"، فرهنگ کوثر، شماره ۵۸/ اردشیری لاجیمی، حسن، آذر و دی ۱۳۹۰، "عوامل انحطاط اخلاقی جامعه در عصر امام سجاد (ع)"، مبلغان، شماره ۱۴۷/ محمدزاده، راضیه، ۱۳۹۱، نقش امام سجاد (ع) در احیای دین، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر



با مطالعه پژوهش های انجام شده در زمینه های فوق مشاهده می شود که مطالعه تطبیقی میان روش های تربیتی امام سجاد(ع) و روش های تدریس نوین صورت نگرفته است. لذا مقاله پیش رو در جهت بررسی تطبیقی روش های تربیتی امام سجاد(ع) و برخی از روش های نوین تدریس تهیه شده است.

## ۱. اوضاع جامعه اسلامی در دوران امام سجاد(ع)

برای بررسی فعالیت های امام سجاد(ع) در زمینه تربیتی جامعه ناگزیریم ابتدا اشاره ای به اوضاع سیاسی، اخلاقی و اجتماعی دوران زندگی امام داشته باشیم.

### ۱.۱ اوضاع سیاسی عصر امام سجاد(ع)

بررسی فعالیت ها و اهداف شوم بنی امیه و بخصوص شخص معاویه ملزوم درک شرایط اوضاع فکری و سیاسی و اعتقادی حاکم بر جامعه آن روز است. معاویه پس از به دست گرفتن خلافت، به کارگزاران خود در سراسر سرزمین های تحت سیطره اش فرمان «منع نشر احادیث و فضایل حضرت علی(ع)» را صادر کرد و در مقابل، به انتشار «روایات جعلی» تاکید کرد و به کسانی که این گونه روایات ساختگی را بیان می کردند، صله و انعام می داد.

رفته رفته این احادیث چنان شهرت یافت که بر منابر بازگو می شد و به دست معلمان مکاتب داده شد تا کودکان بر آن آموزش یافتند و جوانان با آن خو گرفتند تا آنجا که همانطور که قرآن را می آموختند، این احادیث دروغین را هم حفظ می کردند. آن گاه از مجامع مردان گذشت و به مکاتب و مجامع درسی زنان رسید و همچنین در میان غلامان و خادمان نشر یافت. یکی دیگر از اقدامات معاویه در تحریف دین و تثبیت پایه های سلطنتش، این بود که توانست مسلمانان را متقاعد کند که «دین داری در اطاعت از خلفاست».

سیاست دیگر معاویه، گسترش «رفاه طلبی» و «دنیاگرایی» و روی آوردن به دنیا و ایجاد انگیزه برای دنیاطلبی بین مردم بود که باعث شده بود معنای ارزش های واقعی دین عوض شود و مردم برای بدست آوردن متاع دنیوی حاضر به انجام بسیاری از کارهای پست و فرومایه شوند. (محمدزاده، ۱۳۹۱: ص ۴۸)

### ۲.۱ فضای اخلاقی

در کنار این جو سیاه ظالمانه؛ فساد اخلاقی حاکمان و عوامل و کارگزاران آنها، فضای بی بند و باری و عشرت طلبی را در جامعه ی آن روز رواج داده بود.

### ۳.۱ فضای اجتماعی

امام سجاد(ع) دورانی است که در آن، فساد حاکم بر دستگاه اموی، در جامعه شیوع پیدا کرده و شخصیت های بزرگی همچون «محمد بن شهاب زهری» که خودش زمانی از شاگردان حضرت بوده، وابسته به دستگاه حکومت می شود و این نشان دهنده دنیاطلبی مردم آن دوره و

۳. نفر، نرگس؛ ایران نژاد، اصغر، اردیبهشت ۱۳۸۳، "گفتگو، سوال هایی درباره بارش های فکری"، رشد معلم، شماره ۱۸۲/ یعقوبی، ابوالقاسم؛ جهان، فائزه، بهار ۱۳۹۴، "مقایسه اثربخشی آموزش تریز و بارش فکری بر خلاقیت دانش آموزان"، اندیشه های نوین تربیتی، شماره ۴۱/ واحد نوجوان و جوان معاونت تبلیغ، خرداد ۱۳۸۲، "توضیه هایی برای کلاس داری بهتر"، مبلغان، شماره ۴۱/ حسینی، افضل السادات، پاییز ۱۳۸۴، "شیوه های تدریس اثربخش و خلاق"، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۸/ آرمن، محمد، آذر ۱۳۷۲، "ژان ژاک روسو، دیوبی (روشهای تدریس فعال و آراء صاحب نظران)"، رشد معلم، شماره ۹۶/ آرمن، محمد، دی ۱۳۷۲، "پیازه و برونر (روشهای تدریس فعال و آراء صاحب نظران)"، رشد معلم، شماره ۹۷/ آرمن، محمد، آبان ۱۳۷۲، "روشهای تدریس فعال"، رشد معلم، شماره ۹۵/ خردپیر، محمدعلی، آذر ۱۳۳۲، "شمه ای از روش نوین تدریس در برخی از مدارس مرفعی"، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره ۲۶، شماره ۱۲/ عبداللهی، حسین، ۱۳۸۷، درآمدی بر روش ها، فنون و مهارتهای تدریس، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی / مرتضوی زاده، سید حشمت الله، ۱۳۸۸، راهنمای تدریس (فنون و مهارتها)، تهران: انتشارات عابد/ فضلی خانی، منوچهر، ۱۳۸۱، راهنمای عملی روش های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت

تغییر یافتن ارزش های ایمانی افراد است. از این رو امام زین العابدین (ع) فرموده اند: «بیست نفر در مکه و مدینه وجود ندارند که ما را دوست داشته باشند.» (ما بمکه و المدینه عشرون رجلاً یُحِبُّنا، شیخ مفید: ص ۶۴)

در این محیط فاسد اخلاقی و سیاسی، ضعف شدید اعتقادات صحیح و باورهای درست شیعی، به شدت احساس می شود. گذشته از سرسپردگی بزرگان به قدرت حاکمه، تضعیف اعتقادات افراد پیرامون امام (ع) نیز در خور توجه است. سستی ایمان این افراد و تسلیم امر مولا نبودن؛ علت سکوت حضرت را در قبال شورش ها و قیام ها روشن می سازد. (محمدزاده، ۱۳۹۱: صص ۴۷-۴۸)

نکته شایان توجه آن که امام سجاد (ع) از یک سو، چون جنگ و مرزبانی مسلمانان موجب حفظ کیان اسلامی می شود و خطر تهاجم دشمنان اسلام را که درصدد ریشه کن ساختن کل اسلام هستند، از بین می برد، برای آنان دعا کرده و آرزوی پیروزی می کند (امام سجاد (ع)، صحیفه سجاده، دعای ۲۷)، اما از سوی دیگر چون این لشکرکشی ها به امر حاکم و رهبری الهی و حقیقی نبود و این نیروها تحت فرماندهی ظالمان ستمگر اموی می باشند، خود از شرکت در جهاد امتناع می ورزید و بدین گونه موضع فقهی اهل بیت (ع) را در مورد جهاد و نبرد با مشرکان اعلان داشته و مهر بطلان بر سیاست های بنی امیه در این امر زده، پاسخی دندان شکن در برابر اعتراض بعضی از افراد مبنی بر عدم شرکت حضرت در جهاد می داد. (محمدزاده، ۱۳۹۱: ص ۴۹)

## ۲. اهمیت تربیت انسان ها نزد امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در آن اختناق و انحراف، که رفت و آمدهای حضرت به شدت تحت کنترل دستگاه حکومتی بود؛ و در آن جو انحرافی حاکم بر جامعه به خوبی می دانست که تربیت مجموعه ای صالح و مومن که پیشتاز مبارزه با ظالمان و ستمگران باشند و تفکرات صحیح اعتقادی را نشر دهند، نیاز به پشتوانه معنوی افراد دارد. به این منظور امام جهت تربیت آن ها از قالب دعا استفاده کردند تا قابلیت ها و استعدادهای درونی افراد را با بهره گیری از انس با این معارف نورانی، شکوفا نمایند. (همان: ص ۶۶)

حضرت سجاد (ع) کار مبارزاتی خود را علیه ظلم و انحراف، با تشکیل گروه های شیعی و اتصال آن ها به یکدیگر و تقویت روحیه و تقوا در یاران و شاگردان خویش، انجام می داد. در ابتدا، شیعیان خالص به ۵ نفر هم نمی رسیدند، لیکن همین تعداد اندک تربیت یافته مکتب اهل بیت (ع) با سفر به شهرهای اسلامی و شرکت در مراسم حج و ارتباط با دیگر مسلمانان، شروع به روشنگری اذهان مردم کردند تا جایی که هنگام عروج حضرت سجاد (ع) به عالم ملکوت؛ در تمام دنیای اسلام آوازه ی امام و تفکر امامت خاندان رسول الله (ص) پیچیده بود و این خط بطلانی بود بر همه تبلیغات ۶۰-۵۰ ساله ی حکومت اموی. (همان: ص ۶۷)

### ۱.۲ روش های تربیتی امام سجاد (ع)

#### ۱.۱.۲ ابراز توانایی ها

این شیوه که مبتنی بر اصل "عزت" و با توجه به نقاط قوت و توانایی های انسان به دست می آید، مرتبی را بر آن می دارد که خود را توانا و کارآمد ببیند، زیرا اگر نیروهای درونی خود را بیابد، احساس سرافرازی و عزت واقعی در او پدیدار خواهد آمد. اگر خویشتن را ناکارآمد و ناتوان ببیند، احساس سرافکنندگی و ذلت خواهد داشت.

بهترین شیوه برای ابراز توانایی، یادآوری و شکر نعمت ها است. امام در این خصوص می فرماید: "و الحمد لله علی ما عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَ الْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ"؛ «سپاس خدایی را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد.» این شکر انسان را به عزتی می رساند که دیگر کفران نعمت نمی کند. امام در دعای دیگر از خدا می خواهد که او را نزد خلق، بزرگ و عزیز کند و نزد خدا کوچک و نیازمند. "و ذلّلنی بین یدیک، و اعزّنی عند خلقک، وَضَعْنی اِذَا خُلُوتُ بِکَ. وَ ارفعْنی بین عِبَادک. وَ اَغْنِنی عَمَّنْ هُوَ غَنیُّ عَنّی. وَ زِدْنی الیک فَاقَهُ وَ فَقْرًا"؛ «بارالها، مرا در نزد خود، ذلیل و در نزد بندگان عزیز بدار، و در هنگام خلوت با خودت، فروتن، و در بین بندگان بلندم گردان، و از آنکه نسبت به ما بی نیاز است مرا از او بی نیاز کن، فقر و نیازمندیم را به پیشگامت زیاد گردان».

اگر انسان حدود و توانایی های خودش را بشناسد و این توانایی درست هدایت شود و حدود آن مشخص شود، این امر باعث اصلاح رفتار در فرد می شود.

#### ۲.۱.۲ فراهم کردن زمینه مناسب

این شیوه عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و شرایط مناسب که انسان بنا به آن شرایط و موقعیت ها، حالات و اعمال متفاوتی دارد. زمینه سازی می تواند دو وجه داشته باشد:

#### ۳.۱.۲ ایجاد شرایط اولیه و زمینه مناسب جهت کیفیت بخشی به رفتارها و حالات مطلوب

در این زمینه می توان به تربیت صحیح فرزندان اشاره کرد. امام سجاده (ع) در رساله حقوق، یک سری وظایف و حقوق را بیان فرمودند: یکی از آن ها حق فرزند است. ایشان می فرماید: "و اما حق فرزندان این است ... که خود را در مقابل نیکی به او مأجور و در مقابل بدی به او مغدب و معاقب بدان."

#### ۴.۱.۲ جلوگیری از ایجاد شرایط و زمینه نامناسب که باعث جلوگیری از رفتار و حالات نامطلوب می شود.

در این مورد می توان به حدیثی از امام سجاده (ع) اشاره کرد که به یکی از فرزندان در مورد هم نشینی با ۵ گروه و تاثیر بر رفتار فرد، نکاتی را متذکر شده اند: «مبادا با دروغ گو هم نشین شوی، زیرا او هم چون سرابی است که دور را در نظرت نزدیک و نزدیک را برای دور جلوه می دهد. از هم نشینی با فاسق و گناهکار پرهیزید؛ چرا که او تو را به یک لقمه یا کمتر از آن می فروشد و مبادا با شخص بخیل هم نشین شوی، چرا که او مال خود را در سخت ترین نیازمندیهای تو دریغ می دارد. زنهار، پرهیز از هم نشین شدن با احمق، زیرا که او در عین این که قصد سود رساندن را دارد (به واسطه حماقتش) به تو زیان می زند و مبادا با آن کس که از خویشانش بریده، رفاقت کنی که من او را در قرآن یافته ام».

پس مربی باید با نگاهی بلند و همراه با بصیرت، پیشاپیش موقعیت هایی را که مربی در آن قرار خواهد گرفت حدس بزند و وی را مورد ارزیابی قرار دهد و بر اساس این ارزیابی در مورد اصلاح و تقویت رفتاری وی تصمیم گیری نماید. (نادری، آرای، شیرزاد نشلی، ۱۳۹۲: صص ۱۳۳-۱۶۱)

#### ۵.۱.۲ روش رفق و مدارا

بر اساس مفاد آیات قرآن، سیره پیامبر و ائمه در تربیت، اصل بر تسهیل و ملایمت و مداراست. مدارا در مراحل اولیه تربیت و خطاهای ناشی از جهل و به دور از لجاجت مربی ضروری است. بنابراین در تربیت، اصل بر رفق و مداراست و این شیوه زمینه ساز انگیزه ها و مشوق مربی برای پذیرش مبانی و راه های تربیت و نزدیک شدن او به اهداف تربیتی است.

گاهی مربی به ویژه نوجوان و جوان بنای ناسازگاری با مربی می نهد که در این موارد نباید پاسخ او را با ناسازگاری داد. بلکه باید با مدارا و رابطه ای مبتنی بر احترام متقابل، او را به سازگاری با دیگران دعوت نمود. برخورد امام با کسانی که به او بدی کرده اند در فراز نهم دعا، نمونه ای کامل و جامع از روش تربیتی است. امام در این فراز در مقابل بدی و کزی دیگران، از خدا می خواهد تا به او قدرت چشم پوشی از گناهان آنان ارزانی دارد.

#### ۶.۱.۲ روش تدریس اکتشافی (کاوشگری)

گالیل (Galilei) معتقد است «شما نمی توانید چیزی را به کسی یاد دهید، بلکه فقط می توانید به وی کمک کنید تا فرد آن را در خود کشف کند». نیچه (Nietzsche) اشاره می کند که «بدترین پاداش یک استاد این است که شاگردانش تا ابد در حال شاگردی وی باقی بمانند» ساده انگاری است اگر تصور شود معلم به تنهایی و بدون درگیر کردن یادگیرندگان با موضوع درس می تواند در آنان یادگیری ایجاد کند.

روش اکتشافی مبتنی بر جستجو و تحقیق توسط فراگیرنده با راهنمایی و هدایت معلم است. جروم برونر<sup>۶</sup> می گوید: «تاکید بر استفاده از روش اکتشافی، تاثیر آشکاری بر یادگیری یادگیرندگان دارد، زیرا نه تنها آنان را در کشف داده های مرتبط و سازماندهی آن ها یاری می رساند،

بلکه از ورود حجم انبوه اطلاعات غیر مرتبط به ذهن یادگیرندگان که مانع به کارگیری داده های مرتبط می شود، جلوگیری می کند».(عبداللهی، ۱۳۸۷:ص ۱۳۳)

در این روش هدف این است که یادگیرندگان به پرسش کردن، تجزیه و تحلیل نمونه ها و داده ها، نتیجه گیری، شناخت تفاوت پدیده ها و بیان فرضیه ها برانگیخته شوند. به عبارت دیگر در این روش به دانش آموز به عنوان فردی کاوشگر که در جستجوی اطلاعات و یا حل مسئله است نگرسته می شود. چنین نگرشی قلب روش تدریس اکتشافی را تشکیل می دهد.

در این روش یادگیرندگان با یک موقعیت مبهم یا چندگانه و یا یک مسئله مواجه می شوند که پیچیده بوده و سبب ایجاد مشکلاتی برای آنان شده است. برخورد با این موقعیت و تلاش برای حل مشکل توسط فراگیر موجب یادگیری می شود. خلاقیت در حل مسئله یا برخورد با موقعیت مبهم از جمله نکات مهم در روش اکتشافی به شمار می روند.(همان، ص ۱۳۴)

برای روش اکتشافی می توان سه سطح قائل شد: در ساده ترین سطح مسئله و روش یافتن راه حل مسئله نیز به دانش آموز داده می شود - دانش آموز فقط به دنبال شناسایی و کشف راه حل است - در سطح بالاتری از این نوع تکالیف اکتشافی، تنها مسئله برای دانش آموز طرح می شود و او باید روش مناسبی برای حل مسئله انتخاب کند. در بالاترین سطح، دانش آموز خود باید مسئله را طرح کند. (لوی (Levy)، ۱۳۷۵، (همان: ص ۱۳۶)

لوتز (Lutz ۱۹۸۵) گزارش کرده است که اجرای مدل اکتشافی تدریس موجب اثر بخشی در ارتقای عملکرد دانش آموزان و رشد نگرش ها و مهارت ها شده است. آنان هم چنین اظهار داشته اند که در اثر مشارکت دانش آموزان در برنامه های اکتشافی نمرات درسی، نگرش ها و فرآیند و مهارت تجزیه و تحلیل آنان افزایش قابل ملاحظه ای یافته است.(همان: ص ۱۳۵)

مدل های اکتشافی به سه دسته تقسیم می شوند: کاوشگری استقرایی، یادگیری اکتشافی و حل مسئله. به عقیده ریچارد ساچمن (Suchman، ۱۹۶۸) که در زمینه مدل اکتشافی کارهای زیادی انجام داده است؛ کلیه فعالیت هایی از قبیل مشاهده، نظریه پردازی، تجربه کردن، آزمون نظریه و... بخش هایی از مدل تدریس اکتشافی هستند. هدف این فعالیت این است که اطلاعات کافی برای نظریه هایی که تجربه جدید و معنی داری را به همراه دارد، کنار هم قرار دارد.(همان: ص ۱۳۶)

#### ۱.۶.۱.۲ مراحل استفاده از مدل اکتشافی در کلاس

۱.۶.۱.۲ سوال کردن: سوالات ارائه شده توسط دانش آموزان باید در قالب عبارت هایی بیان شوند که با گفتن بلی یا خیر پاسخ داده شوند. این کار بار تفکر را بر دوش دانش آموزان منتقل می کند.

۲.۱.۶.۱.۲ آزادی در سوال کردن: ممکن است دانش آموزان سوالات زیادی مطرح کنند. این کار آنان را تشویق می کند تا سوالات قبلی خود را در قالب جدیدی به منظور رسیدن به نظریه معقولی مطرح کنند.

۳.۱.۶.۱.۲ معلم به بیان نظریه پاسخ می دهد: وقتی که دانش آموزان نظریه را اظهار می دارند، معلم باید ضمن ارزیابی، نسبت به اصلاح آن اقدام کند. معلم ممکن است فقط آن نظریه را ثبت کند یا به طرح پرسش هایی در مورد نظریه از دانش آموزان بپردازد.

۴.۱.۶.۱.۲ آزمون نظریه: دانش آموزان باید این اجازه را داشته باشند که هرگاه بخواهند نظریه خود را آزمون کنند.

۵.۱.۶.۱.۲ مشارکت: باید دانش آموزان به کار تیمی به منظور رای زنی و مباحثه در مورد نظریه های خود تشویق شوند.

۶.۱.۶.۱.۲ آزمایش: معلم باید مواد، مطالب درسی و کتاب های مرجع را فراهم نماید به گونه ای که دانش آموزان بتوانند با استفاده از آن ها به کاوش در مورد ایده های خود بپردازند.(همان: صص ۱۳۶-۱۳۷)

#### ۷.۱.۲ روش ایفای نقش

یکی از روش هایی که در تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیرندگان سهم بسزایی دارد، روش ایفای نقش است. معمولاً در تمام نظام های آموزشی، تقویت و بهبود روابط اجتماعی شاگردان، یک سیاست اصولی است. از آنجا که انسان اجتماعی است و تمام ارتباطات او در یک فضای سالم سیر می کند، اگر دانش آموزان مهارت های زندگی کردن را کسب کنند، در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری عمل خواهند کرد. در این روش، دانش آموزان بر اساس علایق خویش، نقش های مورد نظر را انتخاب می کنند و با نظارت معلم و همکاری



همکلاسان به ایفای نقش می پردازند. از این طریق آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می شود و به یادگیری موثر و کارآمد می انجامد. زیرا دانش آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی به تحلیل آن ها می پردازند و در حین ایفای نقش، نگرش خود را تثبیت می کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می سازند. در این روش مهارت های کلامی آنان نیز تقویت می شود. (فضلی خانی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۶)

#### ۱.۷.۱.۲ مراحل روش ایفای نقش

##### مرحله ۱: انتخاب موضوع

در انتخاب موضوع باید این موارد رعایت شود:

- واضح و روشن کردن موضوع، به نحوی که برای همه قابل فهم باشد.
- موضوع کلی مورد علاقه و توافق شاگردان باشد.
- موضوع دارای اهداف مهم اجتماعی باشد.
- موضوع قابل اجرا باشد و بتوان در ساختار ایفای نقش آن را مطرح ساخت.
- واژه های موجود در موضوع تعریف و مشخص شود.
- موضوع جذاب باشد و با توانایی های ذهنی و روانی دانش آموزان تناسب داشته باشد. (همان: ص ۱۸۸)

##### مرحله ۲: نوشتن نمایش نامه

محتوای اصلی در روش ایفای نقش همین مرحله است و پیام اصلی درس باید در همین قسمت مطرح شود تا از طریق اجرا به دانش آموزان منتقل گردد. در این مرحله از شروع تا پایان دانش آموزان کلیه فعالیت ها را به صورت محاوره ای می نویسند و در این زمینه از کمک مربی بهره مند می گردند. در یکایک مراحل باید اهداف اصلی درس را گنجانند و رعایت ارزش های اجتماعی و پرهیز از عادت های نامطلوب و محتوا های نامناسب الزامی است. (همان: ص ۱۸۹)

##### مرحله ۳: تعیین نقش ها

انتخاب بازیگران بر اساس توانایی و علاقه آنان به نقش های مورد نظر مهمترین بخش روش ایفای نقش است. شناخت شخصیت افراد و ویژگی های رفتاری، ساختار بدن (قد، وزن، سن و...) اهمیت بسیار دارد. (همان: ص ۱۸۹)

##### مرحله ۴: تهیه امکانات و تجهیزات لازم

امکانات مورد نظر باید براساس نمایش نامه تدوین شده فراهم گردد. نحوه استفاده از فضا، صحنه آرایی مناسب و فراهم آوردن دیگر امکانات باید برای بازیگران تشریح شود. (همان: ص ۱۹۰)

##### مرحله ۵: آمادگی و تمرین مقدماتی

پس از تعیین نقش ها بازیگران باید با راهنمایی مربی، به تمرین مقدماتی بپردازند، از جمله این آمادگی ها:

- شناخت و ساخت وسایل و امکانات
- شناخت و تمرین محل اجرایی به صورت متوالی
- حفظ کردن نقش مربوط به خود
- مطالعه نمایش نامه
- شناخت چهره ها و دیگر اعضا در صورت نیاز. (همان: ص ۱۹۰)

##### مرحله ۶: اجرا و دادن نمایش

این مرحله در روش ایفای نقش در کلاس مرحله اصلی است و تماشاگران با دقت و رعایت دقیق نظم به تماشای نمایش می پردازند، بنابراین اهداف و انتظارات آموزش و پرورش باید در رفتار و گفتار بازیگران متجلی شود و روند اجرایی نمایش این اهداف را تحت الشعاع قرار ندهد. (همان: ص ۱۹۰)

#### مرحله ۷: بحث و بررسی و ارزشیابی

پس از اتمام مرحله اجرایی، تماشاگران به صورت گروهی و با هدایت معلم، به ارزشیابی و بررسی کلیه مراحل اجرایی می پردازند. هدف از این مرحله اصلاح و تقویت نکات مثبت و رفع نکات منفی نمایش نامه و نقش هاست. بنابراین کلیه تصمیماتی که در این مرحله اتخاذ می شود باید در تصمیمات بعدی لحاظ شود. (همان: ص ۱۹۱)

#### ۱۸.۲ روش تقلید آگاهانه یا الگویی

در عبارت آخر فراز هشتم، امام از خدا طلب توفیق در اطاعت، پیروی و فرمان بری از مرشدان، موعظه گران، معلمان و خیر خواهان حقیقی می نماید. این روش که ناظر به چند اصل تربیتی است نکاتی را در بردارد؛ از جمله:

- توجه به ضرورت وجود الگوی صحیح
  - اهمیت شیوه تقلید در تربیت
  - ضرورت و ارزش موعظه و ارشاد
  - مشاوره و ضرورت تبعیت از الگوی شایسته
- الگو پذیری از این جملات فراز دهم دعای مکارم الاخلاق، بسیار روشن و روشنگر است که «مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من ببوشان». (هاشمی شاه قبادی، ۱۳۹۰: ص ۹۹)

### نتیجه گیری

با مطالعه اجمالی روشهای ذکر شده در این مقاله و ویژگی های هر یک و با در نظر گرفتن سوال و هدف این تحقیق، می توان به این نتایج دست یافت:

۱. ویژگی بارز روش اکتشافی، جستجو و تحقیق توسط فراگیرنده با راهنمایی و هدایت معلم است. همچنین هدف اصلی روش فراهم کردن زمینه مناسب امام سجاده (ع) نیز این است که مربی باید با نگاهی همراه با بصیرت، پیشاپیش موقعیت هایی را که متربی در آن قرار خواهد گرفت، حدس بزند و او را مورد ارزیابی قرار دهد و بر اساس این ارزیابی در مورد اصلاح و تقویت رفتاری وی تصمیم گیری نماید. لذا این دو روش قابل انطباق با یکدیگر می باشند.

۲. در روش اکتشافی هدف این است که یادگیرندگان به پرسش کردن، تجزیه و تحلیل نمونه ها و داده ها، نتیجه گیری، شناخت تفاوت پدیده ها و بیان فرضیه ها، برانگیخته شوند. طبق این روش، افراد می توانند با تجزیه و تحلیل وقایع پیرامون خود تصمیمات مناسبی در طول زندگی اتخاذ کنند. در نتیجه روش عبرت آموزی امام سجاده (ع) با داشتن ویژگی ارزیابی رخدادها و به دست آوردن رهنمودهای تازه برای جلوگیری از تکرار خطاها در زندگی با روش اکتشافی منطبق است.

۳. روش ایفای نقش با تقویت و بهبود روابط اجتماعی افراد و کسب مهارت های زندگی کردن، باعث موفقیت آنها در تمام شئون زندگی می شود. روش ابراز توانایی امام سجاده (ع) نیز با تاکید بر نقاط قوت و توانایی های انسان باعث خود کارآمدی و توانمندی فرد می شود. از این رو این دو روش بر هم منطبق اند.

۴. در روش ایفای نقش دانش آموزان ضمن تثبیت نگرش خود، نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می کنند و مهارت های کلامی آنان نیز تقویت می شود. بر اساس روش وفق و مدارای امام سجاده (ع) مدارا در مراحل اولیه تربیت و خطاهای ناشی از جهل و به دور از لجاجت متربی، امری ضروری است. گاهی متربی - به ویژه نوجوان و جوان - بنای ناسازگاری با مربی می نهد که در این موارد نباید پاسخ او را با ناسازگاری داد، بلکه باید با مدارا و رابطه ای مبتنی بر احترام متقابل او را به سازگاری با دیگران دعوت نمود. بنابراین دو روش فوق را منطبق بر یکدیگر می دانیم.

۵. در روش ایفای نقش، دانش آموزان بر اساس علایق خویش، نقش های مورد نظر انتخاب می کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان به ایفای نقش می پردازند. روش تقلید آگاهانه امام سجّاد (ع) ناظر به ۴ اصل تربیتی مهم است که شامل: توجه به ضرورت و وجود الگوی صحیح، اهمیت شیوه تقلید در تربیت، ضرورت و ارزش موعظه و ارشاد و در نهایت مشاوره و ضرورت تبعیت از الگوی شایسته می باشد. این دو روش از این نظر نیز با یکدیگر منطبق اند.

بنابراین با توجه به مقاله حاضر، در می یابیم تعلیمات اولیای الهی نیز همچون آیات قرآن جاودانه و قابل تعمیم در تمام دوره ها هستند و روش های تربیتی آنان با روش های نوین تدریس برابری می کنند. همچنین روش های تربیتی این بزرگواران نه تنها سبب ایجاد اشتیاق به کسب علم در افراد شده است، بلکه نیازهای روحی و معنوی آنان را نیز پاسخ می گوید؛ لذا توصیه می شود معلمان با مطالعه سیره و روش های تربیتی ائمه معصومین از آنان الگو برداری کنند.

## منابع و مآخذ

۱. آرای، حمیدرضا، شیرزادنشلی، حمیدرضا، نادری، امیر، ۱۳۹۲، "شیوه های تعلیم و تربیت از منظر امام سجّاد (ع) با تکیه بر صحیفه سجّادیه"، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۶۱
۲. عبداللّهی، حسین، ۱۳۸۷، درآمدی بر روش ها، فنون و مهارت های تدریس، تهران، نشر دانشگاه علامه طباطبائی
۳. علی بن حسین زین العابدین (ع)، ۱۳۸۶، صحیفه سجّادیه، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
۴. فضلّی خانی، منوچهر، ۱۳۸۱، راهنمای علمی روش های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، تهران، موسسه فرهنگی منادی تربیت
۵. محمدزاده، راضیه، ۱۳۹۱، نقش امام سجّاد (ع) در احیای دین، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
۶. مرتضوی زاده، سید حشمت الله، ۱۳۸۸، راهنمای تدریس (فنون و مهارت ها)، تهران، نشر عابد
۷. هاشمی شاه قبادی، سیدرضا، ۱۳۹۰، "سیره تربیتی امام سجّاد (ع) در دعای مکارم اخلاق"، مجله ادیان، شماره ۳، صص ۸۳-۱۰۲

## عبّاس (ع) جوان حماسه ساز عاشورا

بهاره شبانی<sup>۱</sup>، حمیده عباسی<sup>۲</sup>، رویا عرب<sup>۳</sup>، الهه زنگنه<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد  
<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد  
<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

Sheybani.bahar72@gmahie.com

چکیده:

انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و برای دارا بودن زندگی توأم با شادابی و دینداری و از جهت دیگر برای روابط سالم اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی، به اسوه‌های عالی انسانیت و کمال احتیاج دارند. دین اسلام این اسوه‌های عالی پس از پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، معرفی می‌کند. امامان بزرگوار، حجت‌های الهی در روی زمین همواره در تلاش بودند تا مردم را مورد ارشاد و تعلیم و تربیت ویژه‌ی خود قرار دهند. در کنار امامان بزرگوار ما همچون امام حسین (ع) جوانانی حضور داشتند که مظهر وفاداری و گذشت بوده، به الگوهایی جاودان تبدیل شدند. داشتن الگوهای جوان مؤثر از مسائل مهم آموزشی است که توجه و پابندی به آن، راه رسیدن به زندگی باسعادت را هموار می‌سازد. مادر این مقاله در صدد هستیم جوانان عاشورایی را مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم.

**کلید واژه:** اسوه‌های عالی، تعلیم و تربیت، امام حسین (ع)، جوانان عاشورایی



مقدمه:

در طول زندگی اجتماعی بشر هیچ حماسه ای همچون عاشورای امام حسین (ع) جاودانه نشده است. در نهضت عاشورا بخش سرنوشت ساز این واقعه ی عظیم را نیروهای جوان عهده دار بودند. در این حماسه جوانان ونوجوانانی، حضور داشتند که تا آخرین قطره خونشان از ولایت دفاع کرده و پاسدار ارزش هایشان بودند و به الگوهای جاودانی تبدیل شدند.

در تمام حرکت های بزرگ اصلاح طلبانه و انقلاب های رهایی بخش حساس ترین مسئولیت ها بر عهده نیروهای توانمند جوان قرار داده می شود. در نهضت عاشورا نیز مهمترین و سرنوشت سازترین نقش ها را نیروهای جوان عهده دار بودند که طی آن هفتاد و دو تن از بهترین مردان شهید شدند. چرا که جوانان با توجه به تفکراتی که دارند می توانند موجب رشد و توسعه، شکوفایی مملکتشان در زمینه های مختلف شوند. جوانی بهترین و حساس ترین دوره زندگی بشرمحسوب میشود به دلیل اینکه در این دوره انسان می تواند سرنوشت خویش را رقم بزند و قالب وجودی او در این دوره شکل میگیرد.

امام رضا (علیه السلام) به «ریان ابن شیب» فرمود: «ای پسر شیب! هجده نفر از ما بنی هاشم در کربلا شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند. این هجده نفر به استثنای فرمانده لایق و پیشوای عالی قدر خود امام حسین (علیه السلام) که پنجاه و هفت ساله بود، همه جوان بودند؛ جوانان سی و پنج ساله و کمتر تا نوجوانان دوازده ساله و ده ساله! سایر جانبازان کربلا نیز اکثرا نسل جوان بودند. در حقیقت می توان گفت اکثریت فداکاران قهرمان کربلا را جوانان تشکیل می دادند (دوانی، علی، تهران، ص ۲۰۹) (۱)

طرح مسأله:

جوانان عاشورا چه طور با وجود سن کم تبدیل به الگو هایی جاودان شدند؟

چگونه می توان با استفاده از الگوهای جوان ،جوانان را پرورش داد؟

آیا نگاه به زندگی امام حسین (ع) و یاران جوان ایشان راهکاری برای مقابله با مشکلات موجود در تعلیم و تربیت دارد؟

ابتدا مختصرا با مفهوم جوان آشنا شویم:

تعریف جوان : برنا، هر چیز که از عمر آن چندان نگذشته باشد، شاب مقابل پیر (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، ص ۴۳) (۲) و در تعریف دیگر هر چیز کم سن (معین محمد، ۱۳۶۳، ص ۳۴) (۳)

به طور کلی جوانی سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی را شامل می شود. از جمله ویژگی های این دوران صمیمیت و نزدیکی در برابر جدایی و انزوایطلبی . با شروع این مرحله کانون توجه فرد از درون ذات به برون ذات معطوف می شود. جوان (نوجوان مرحله پیش) به اندازه کافی فرصت داشته است تا خود را آزموده و از تمامی پدیده های اجتماعی، زیستی و روانی خویش هویتی منسجم یابد و حال می باید فرصتی را برای خود در برقراری تعاملات بیشتر اجتماعی فراهم آورد او که در مرحله پیشین با تلاش بی وقفه توانسته است خود را باز شناسد انگیزه پیش برنده ای او را به سوی زندگی بزرگسالی هدایت می کند . جوان در پی نزدیکی، صمیمیت عشق ورزیدن و همکاری است. در این دوره وی به دنبال کسب هویتی منسجم است و از صمیمیت که قطب مثبت زندگی جوانی است جوان موفق سعی در نزدیکی و ایجاد از تباط صمیمانه با والدین ، همسر ، دوستان و تمامی نوع بشر دارد او ضمن کسب توانایی ایجاد ارتباط با دیگر اعضای جامعه، آماده ی پذیرش عقاید دیگران است به بیان دیگر هر چند که

نظامی از باید ها و نبایدها در (فراخود) هویت منسجمش شکل گرفته است لیکن آمادگی آن را دارد که در راستای ایجاد ارتباطی معقول، استعداد ها و ارزش های درونی دیگران را در یک تبادل عاطفی عقلانی پذیرا باشد در حالی که هیچ گونه ترسی برای از دست دادن هویت خود ندارد . (مارگارت هریس و جرج باتر ورث، مترجم غلامرضا تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷-۳۲۸) (۴)

هدف:

هدف اصلی این پژوهش ((بررسی ویژگی های جوانان عاشورا)) می باشد. استفاده از این الگو خودبر ارزش های اخلاقی و اجتماعی جوانان تاثیر عمده ای داشته و بر تربیت نسل بعد موثر خواهد بود.

ضرورت:

داشتن الگوی مناسب برای تعلیم و تربیت امری ضروری است. جوانان با بصیرت کربلا، که ویژگی های لازم اسوه شدن را داشتند توانستند تاثیر مهمی در این واقعه عظیم داشته و به اسوه هایی ماندگار تبدیل شوند.

پرسش ها:

۱- جوانان عاشورا چه ویژگی هایی داشتند؟

۲- گونه می توان از الگو های جوان عاشورا بهره گرفت؟

۳- جوانان ما چه قدر از جوانان عاشورا فاصله دارند ؟

روش:

در این پژوهش از منابع و اسناد کتابخانه ای استفاده شده است در واقع روش مورد استفاده بررسی اسناد و منابع معتبر علمی است. این بررسی کیفی است.

پیشینه تحقیق:

بررسی اسوه های جوان کربلا یکی از موضوعاتی است که در چند دهه اخیر مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد، شناخت جوان عاشورایی تاثیر بسیاری بر زندگی نسل جوان ما دارد. سید حامد شاهرخی و علی رضوانشهری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان (اسوه های ماندگار کربلا) اسوه های جوان حماسه کربلا را بررسی کرده و مهمترین ویژگی های جوانان عاشورا را جوانمردی، شهادت، شجاعت، توکل، ایثار و... عنوان می کند.

محمد صابری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان (نقش نوجوان و جوان در درک آموزی پیام قیام عاشورا و کربلا) به اهداف قیام عاشورا، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، رمزهای جاودانگی این حماسه و همچنین الگوهای اخلاقی این قیام پرداخته و جلوه آشکار ایشار را حضرت عباس معرفی کرده است. ((پیام قلم های هوشیار))

یدالله دمیرجی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان (جوانان ونوجوان کربلا) ویژگی های جوانان کربلارا "ایمان راسخ، بصیرت و وفاداری، ادب و..." معرفی میکند و به شرح حال هریک از جوانان واقعه کربلا می پردازد.

#### جوانان عاشورایی

با تقویت تفکر مثبت و دادن الگویی مناسب در جوانان می توان صفات نیک و خصلت های زیبا را در وجود آن ها ایجاد کرد. آن گاه با فضا سازی مناسب و به وجود آوردن بسترهای لازم، آن ها را به تکرار رفتارهای مثبت متمایل کرده و آن رفتارها را به صورت عادات پایدار در وجود آنان در آورد.

در صحنه عاشورای حسینی جوانان، نوجوانان، مردان و زنانی بودند که تا پای جان از دینشان، امامشان و اعتقاداتشان دفاع کرده، حماسه آفریده و الگو هایی ماندگار شدند.

عده ای از این جوانان فداکار و با ایمان کربلا عبارت بودند از:

۱. عباس بن علی علیه السلام پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام، مادرش فاطمه ام البنین و کنیه اش ابوالفضل است-۱

عباس؛ جوانی دلاور، زیبا و بلند بالا بود. وقتی که سوار اسب می شد، پاهایش به زمین می رسید. او علاوه بر مزایای جسمی، از نظر ملکات روحی و کمالات نفسانی نیز بعد از برادرش امام حسین علیه السلام در میان همه جوانان و رجال اهل بیت علیه السلام نظیر نداشت. در جنگ های صفین و نهروان در رکاب پدر بزرگوارش مشارکت داشت. به خاطر سیمای جذاب و نورانش، او را «قمر بنی هاشم» می خواندند و به خاطر آوردن آب به خیمه ها، «سقا» لقب یافت. (صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۷۴، ص ۱۶) (۵)

حضرت ابوالفضل علیه السلام فرمانده و پرچم دار سپاه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود. در حادثه کربلا فرماندهی سمت چپ سپاه امام حسین علیه السلام را عهده دار بود و علاوه بر تهیه آب، نگهداری از خیمه ها و محافظت از خاندان امام حسین علیه السلام را نیز برعهده داشت. در روز عاشورا سه برادر او پیش از او به شهادت رسیدند. عباس علیه السلام مظهر ایثار و وفاداری و گذشت بود. نقل می کنند وقتی به دستور امام حسین علیه السلام برای تهیه آب عازم میدان شد و پس از نبردی بی نظیر وارد شریعه فرات گردید، با آن که تشنه بود، به یاد تشنگی برادر و اطفال و حرم امام حسین علیه السلام، از خوردن آب خودداری کرد. هنگامی که به شهادت رسید امام حسین علیه السلام به بالین او آمدند و فرمودند: «برادر جان اکنون دیگر بی پشتیبان و یاور شدم. (شریف القرشی، باقر، مترجم سید محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی، ۱۳۸۷، تهران ص ۲۳) (۶)

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «خدا رحمت کند عمویم را که جان خویش را در راه برادرش فدا کرد تا آن که دست هایش قطع شد. خداوند دو بال به او داده است که به وسیله آن با فرشتگان در بهشت پرواز می کند. چنان که خداوند برای جعفر بن ابی طالب قرار داده است». وقتی که امام حسین علیه السلام بر بالین خون آلود حضرت عباس علیه السلام حاضر شد، فرمود: الان انکسر ظهري و لت حيلتي (آوینی، مرتضی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰) (۷)

حضرت ابوالفضل در کربلا سی و چهار ساله بود (قمی، عباس، مترجم، شعرانی ابوالحسن، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶) (۸)

۲. علی بن حسین علیه السلام امام زین العابدین: امام سجاد علیه السلام در حادثه کربلا بیست و دو ساله بود و آن روزها بیمار بود. همین بیماری نیز باعث گردید که وی از خطر کشته شدن نجات یابد و دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله در روی زمین باقی بماند.

حضرت امام سجاد علیه السلام مصائب و مشکلات و اذیت های بسیاری را تحمل کرد و با سخنرانی ها و افشاگری هایی در مجالس عیدالله زیاد و یزید بن معاویه، باعث زنده نگاه داشته شدن عاشورا و به لرزه در آمدن پایه های حکومت اموی گشت.

۳. علی بن الحسین، علی اکبر علیه السلام، پدرش امام حسین علیه السلام، و مادرش لیلی دختر ابی مره می باشد. به علی اکبر معروف بود و از حیث شجاعت و نبوغ، بهترین یادگار جدش علی بن ابیطالب بود و از لحاظ چهره زیبا و تناسب اندام و خوی نیکو و گفتار نغز از همه کس به جد بزرگوارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله شبیه تر بود. نخستین شهید از بنی هاشم در روز عاشورا بود که جسد مبارکش قطعه قطعه گردید و نزدیکترین شهیدی است که در کنار امام حسین علیه السلام دفن شده است. سن او را از هیجده سال تا بیست و هفت سال نقل کرده اند. جوانی مثل حضرت علی اکبر (ع) هراسی از مرگ ندارد و به خاطر دین حق قیام میکند. در آن سو حضرت قاسم طعمی شیرین برای مرگ در راه حق مثال زده و از شنیدن خبر شهادت خرسند میگردد.

وقتی امام حسین (علیه السلام) در مسیر کربلا در منزل «قصر بنی مقاتل» به دنبال خوابی که دیده بودند، جمله «انالله و انا الیه راجعون» را بر زبان آوردند. «علی اکبر» جلو رفت و علت را جویا شد. حضرت فرمود: «اسب سواری جلو من در خواب ظاهر شد و گفت: این قوم شبانگاه در حرکت است و مرگ به استقبالشان می آید.» علی اکبر گفت: «پدرم! آیا ما بر حق نیستیم؟» حضرت فرمود: «سوگند به خدا که ما برحقیم» علی اکبر گفت: «پس ما را باکی از مرگ نیست». (روشندل محمدباقر، ص ۲۰) (۹)

۴. عثمان بن علی: پدرش علی و مادرش ام البنین است. به خاطر علاقه شدیدی که حضرت علی علیه السلام به «عثمان ابن مظعون» داشت، نام فرزندش را عثمان گذاشت. وی دومین فرزند ام البنین است که در روز عاشورا به شهادت رسید. او به هنگام شهادت نوزده ساله بود

۵. قاسم بن الحسن علیه السلام: پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام و مادرش «رمله» می باشد. وقتی واقعه کربلا رخ داد ۱۴ سال داشت. در شب عاشورا نیز وقتی امام حسین علیه السلام به اصحاب خود مژده شهادت در راه خدا می دادند، ناگهان حضرت قاسم، فرزند امام مجتبی علیه السلام رو امام کرده فرمودند: عموجان! آیا این فیض بزرگ شامل حال من نیز خواهد شد؟! امام حسین علیه السلام در حالی که سخت تحت تاثیر برادرزاده مهربان قرار گرفته بود، از او پرسیدند: پسرم مرگ در کام تو چه طعمی دارد؟ عرض کرد: مرگ در راه حق برای من شیرین تر از عسل است! آن گاه امام علیه السلام فرمودند: آری به خدا سوگند تو نیز یکی از کسانی خواهی بود که فردا به فیض عظیم شهادت نائل می آیی. وی از شنیدن این خبر بسیار خوشحال گشت. (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸، ص ۱۳، ۶۵) (۱۰)

۶. ابوبکر بن الحسن علیه السلام: پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام و مادرش، کنیز آن حضرت بود. او از مدینه همراه عمویش امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و بعد از شهادت برادرش قاسم، به میدان آمد و جنگید تا به فیض شهادت نایل گشت. (بحرانی، سیدهاشم، مترجم سید غریب عساکره، ۱۳۹۳، ص ۲۶۱) (۱۱)

۷. عبدالله بن الحسن علیه السلام: پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام و مادرش، دختر شلیل بن عبدالله می باشد. عبدالله در کربلا نوجوانی بود که به سن بلوغ نرسیده بود و چون عمویش حسین علیه السلام را زخمی و بی یاور دید، خود را به آن حضرت رسانید و گفت: «به خدا قسم از عمویم جدا نمی شوم». در آن هنگام شمشیری به طرف امام حسین علیه السلام روانه شد. عبدالله دست خود را سپر شمشیر قرار داد و دستش به پوست آویزان شد و فریاد زد: «عمو جان!» حسین علیه السلام او را در بغل گرفت و به سینه چسباند و فرمود: برادرزاده! بر این مصیبت که بر تو وارد آمده



است، صبر کن و از خداوند طلب خیر نما، زیرا خداوند تو را به پدران صالحت ملحق می کند. ناگاه حرمه بن کاهل تیری بر او زد و او در دامان عمویش حسین علیه السلام، به شهادت رسید. وی نوجوانی یازده ساله بود (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸ ص ۶۸) (۱۰)

۸. سیف بن الحارث «الهمدانی»؛ مالک بن عبدالله «الهمدانی» شیب: «سیف» و «مالک» پسر عموی یکدیگر بودند و به همراه غلام شان «شیب» به سپاه امام حسین علیه السلام پیوستند. روز عاشورا آن دو در حالی که می گریستند، به خدمت حضرت رسیدند. امام- فرمود: چرا گریه می کنید؟ آن دو گفتند: فدایت شویم، برای خودمان گریه نمی کنیم، ولی برای شما گریه می کنیم که در محاصره دشمن قرار گرفته اید و ما بیش از جانمان چیزی نداریم تا با آن از تو حمایت کنیم. حضرت به آن ها فرمود: خداوند از بابت علاقه و هم دردتان با من به شما پاداش دهد. آنها در حالی که یکدیگر را حمایت می کردند، در جنگ دشمن به شهادت رسیدند. غلامشان در حمله اول روز عاشورا به شهادت رسید. (قنبری همدانی، حشمت الله، ۱۳۷۹، ص ۶۱) (۱۲)

۹. بریر بن خضیر: از دیگر شهیدان کربلاست. او فردی عابد و زاهد بود، در روز عاشورا وارد میدان شد و از لشکر دشمن، یزید بن معقل وارد در مقابل او قرار گرفت و با هم قرار گذاشتند که مباحله نموده و از خدا بخواهند که هر کدام از آن دو نفر که حق با اوست دیگری را که باطل است بکشد، سپس به مبارزه پرداختند و بریر او را به هلاکت رساند و همچنان به جنگ با دشمن ادامه داد تا به شهادت رسید. (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸، ص ۷۲) (۱۰)

۱۰. عمرو بن قرظه: پدرش قرظه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و از یاران علی علیه السلام بود. عمرو قبل از شروع جنگ در کربلا، به امام حسین علیه السلام پیوست. در روز عاشورا به میدان رفت و جنگید، ولی به سوی حسین علیه السلام برگشت، تا آن حضرت را از دشمن محافظت کند. او خود را سپر حضرت کرده و تیرها به صورت و سینه اش برخورد می کرد تا آسیبی به امام حسین علیه السلام نرسد.

او در حالی که بدنش پر از جراحت شده بود، رو به حضرت کرد و گفت: یابن رسول الله! آیا به عهد خود وفا کردم؟ حضرت فرمود: در بهشت جلوی من خواهی بود و سلام مرا به رسول خدا برسان. در همین لحظه عمرو به زمین افتاد و به شهادت رسید. (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸، ص ۷۵) (۱۰)

۱۱. وهب؛ همسر وهب (هانیه)؛ وهب مردی دلاور و از مسیحیان کوفه بود که با دیدن معجزه امام حسین علیه السلام و با شنیدن پیام امام علیه السلام با همسر و مادر خود به سوی کربلا حرکت کرد و مسلمان شد. او در روز عاشورا با توصیه مادرش و اجازه امام حسین علیه السلام به میدان رفت و با صولت عجیبی جنگید، به طوری که نوزده سوار و بیست پیاده را کشت و سپس هر دو دستش را قطع کردند. وهب هم چنان جنگید تا به شهادت رسید.

وهب هنگام شهادت بیست و پنج سال داشت. او و خانواده اش در روز عاشورا ده روز بود که به اسلام گرویده بودند و در پیکر وهب اثر هفتاد ضربه شمشیر و نیزه و تیر دیده می شد. (بدآونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، ۱۳۷۹، ص ۲۵۸) (۱۳)

هانیه «همسر وهب، نخستین زن و یگانه زنی بود که در کربلا در راه دفاع از حریم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸، ص ۱۴) (۱۰)

۱۲. عمرو بن قرظه انصاری: قرظه انصاری از اصحاب باوفای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود که در جنگ احد شرکت کرد و از مکتب نوپای اسلام دفاع کرد. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در کوفه سکونت گزید و در جنگ های جمل و صفین و نهروان در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام به جهاد پرداخت. قرظه انصاری پسری داشت به نام عمرو که به همراه امام حسین علیه السلام در کربلا حضور یافت و

محافظت از جان حضرت را عهده دار شد و هر تیر و شمشیری که به طرف امام حسین علیه السلام پرتاب می شد، به جان خود می خرید. او در ماجرای حمله به لشکر عمر سعد این رجز را می خواند: «سپاه انصار باور دارند که من از اهل حرم دفاع می کنم. ضربت من ضربت جوانی سربلند و پیش آهنگ است. جان و مالم فدای حسین باد!» نقل می کنند وقتی در جنگ بر بدنش زخم بسیار وارد شد، در لحظات آخر ناگهان چشم باز کرد و به امام حسین علیه السلام عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا، آیا شرط جان بازی به جای آوردم؟» حضرت فرمودند: «آری، سلام مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برسان».

۱۳. بکیر بن حرّ بن یزید ریاحی: وقتی حرّ بن یزید ریاحی متوجه شد که عمر سعد مصمم است با امام حسین علیه السلام به جنگ پردازد، به فرزند خود «بکیر» گفت: «پسرم، بدن پدرت طاقت تحمل آتش جهنم را ندارد. اگر با من موافقی به طرف حسین بن علی علیه السلام برویم». بکیر با پدر موافقت کرد و در فرصت مناسب از لشکر عمر سعد کناره گیری کردند و خود را به اردوگاه امام حسین علیه السلام رساندند. آن گاه که امام علیه السلام آن دو را پذیرفتند، حرّ به فرزند خود گفت: «الحمد لله که خداوند ما را از مصاحبت با این قوم ستم کار نجات داد. اکنون بر این قوم ظالم حمله کرده، از فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دفاع کن». به دنبال پیشنهاد پدر، او از امام حسین علیه السلام اجازه گرفت و با سپاه عمر سعد به جنگ پرداخت تا به درجه شهادت نایل آمد. وقتی حرّ بالای سر فرزند آمد، چنین گفت: «خدای را سپاس که شهادت در رکاب مولایمان حسین علیه السلام را روزی تو ساخت».

۱۴. جَوْن بن خوی: چون خدمت گزار ابوذر غفاری بود. وی پس از رحلت ابوذر در ریزه به مدینه برگشت و خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او مردی آگاه به اسلحه شناسی و تعمیر ادوات جنگی بود. پس از شهادت علی علیه السلام در خدمت امام حسن علیه السلام قرار گرفت. وقتی مسئله حرکت امام حسین علیه السلام به مکه پیش آمد، به همراه آن حضرت از مدینه تا مکه و از آن جا تا کربلا آمد و لحظه ای از آن حضرت جدا نشد. در روز عاشورا به حضور امام حسین علیه السلام آمد و اجازه جهاد خواست. امام علیه السلام به او فرمودند: «ای جون، تو گرچه همیشه با ما همراه بودی، اما اکنون اجازه داری که بروی و از این خطری که ما را تهدید می کند خود را نجات دهی». جون گفت: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، من در روزهای خوشی و راحتی در کنار شما بودم. آیا شایسته است که به هنگام روی آوردن سختی ها از شما دست بردارم؟» و بدین سان پای به میدان شهادت نهاد و مردانه در راه خدا جان داد.

۱۵. مسلم بن عوسجه اسدی: مسلم بن عوسجه از شجاعان نامی روزگار بود. هنگامی که مسلم بن عقیل از طرف امام حسین علیه السلام به کوفه آمد، مسلم بن عوسجه در گرفتن بیعت از مردم و گردآوری کمک های مالی مردم وکیل مسلم بود. نقل می کنند در شب عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام فرمود: «من بیعت خود را از گردن شما برداشتم، از پیش من بروید»، او عرض کرد: «ای پسر پیامبر آیا دست از تو برداریم و برویم؟» نه به خدا سوگند من از خدمت تو دور نمی شوم. اگر در یاری تو کشته شوم و باز زنده ام کنند و دوباره بکشند و جسد مرا آتش زنند هم چنان همین کار را می کنم و هرگز از تو جدا نمی شوم». پس از جنگ با دشمن وقتی بر زمین افتاد، حبیب بن مظاهر به او گفت: «اگر بعد از تو زنده بودم دوست داشتم وصیت می کردی تا آنچه می خواهی انجام دهم. ولی می دانم که من هم ساعتی بعد به تو ملحق خواهم شد». مسلم بن عوسجه گفت: «تنها وصیت من این است که تا جان در بدن داری دست از یاری حسین برداری».

امام رضا علیه السلام به «ریان ابن شیب» فرمود: «ای پسر شیب! هجده نفر از ما بنی هاشم در کربلا شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند. این هجده نفر به استثنای فرمانده لایق و پیشوای عالی قدر خود امام حسین علیه السلام که پنجاه و هفت ساله بود، همه جوان بودند؛ جوانان سی و پنج ساله و کمتر تا نوجوانان دوازده ساله و ده ساله! سایر جانبازان کربلا نیز اکثرا نسل جوان بودند. در حقیقت می توان گفت اکثریت فداکاران قهرمان کربلا را جوانان تشکیل می دادند».

هنگامی که یزید بن معاویه شرافت و فضیلت را لگدکوب می کرد این جوانان فداکار مردانه قیام کردند. سیمای جوانی این جوانان پر شور و از جان گذشته تا همیشه در تاریخ رستاخیز حسینی می درخشد. آری چهره تابناک آن جوانان بود که تلؤلؤ خاص قیام تاریخی حسین علیه السلام را در دل قرن ها به یادگار باقی نهاد. (سیدبن طاووس، مترجم محمد اسکندری، ۱۳۸۸ ص ۱۲۱-۱۲۶) (۱۰)

#### ویژگی های جوانان عاشورا

جوانان عاشورا ویژگی هایی همچون فداکاری، شهامت، شجاعت، ایثار و گذشت، ایمان واراده ای مثال زدنی دارا بودند. صفات پسندیده ای مانند عفو و بخشش، آزادی، عزت نفس، اخلاص، رأفت و... از دیگر اوصاف جوانان کربلاست. (قنبری همدانی، حشمت الله، ۱۳۷۹، ص ۶۱) (۱۲)

یکی از بارزترین صفات جوانان کربلا شجاعت و دلیری آنان بود. این نوجوانان و جوانان شجاع، هریک در مقابل صدها نفر از سپاه شام، با غرور و افتخار ایستادگی نموده و پس از به هلاکت رساندن چندین نفر از آنان تا آخرین قطره خون از دینشان پاسداری کردند.

دیگر ویژگی بارز این جوانان احترام و ادب و ولایت مداری بود، که در تمامی رفتارهایشان هویدابود. از فضایل والای انسانی و اسلامی، رعایت ادب است. ادب در برابر بزرگان و مقدسات و در همه موارد زندگی، زینت اخلاق بوده و از عوامل و ارکان مهم شخصیت معنوی انسان است.

روایت شده حضرت ابوالفضل العباس "علیه السلام" بدون اجازه در کنار امام حسین علیه السلام نمی نشست، و اگر پس از اجازه می نشست، مانند عبد خاضع دو زانو در برابر مولایش می نشست. (بداونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، ۱۳۷۹، منتخب التاریخ، نشر تهران، ص ۲۳۴) (۱۳)

بارزترین صفت جوانان کربلا، وفاداری آنان به امام زمانشان است. چرا در سخت ترین شرایط، حاضر نشدند عهده ای را که با امام خود بسته بودند نقض کنند. در میان اصحاب حضرت حسین (ع)، حضرت ابوالفضل العباس در آراستگی به این فضیلت از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند. نام عباس بن علی علیه السلام، همیشه با صفت وفا قرین است.

در عصر تاسوعا شمر از سوی عیدالله بن زیاد، امان نامه ای را برای آن حضرت و برادرانش آورد. او در پاسخ به شمر فرمود: ما هرگز نیازی به امان شما نداشته ایم و نداریم. برای ما امان الهی کفایت می کند خداوند بر تو و بر امانی که برای ما آورده ای لعنت کند. آیا شما به ما امان می دهید، ولی فرزند رسول خدا را مورد تعرض قرار می دهید. هرگز ما حاضر به پذیرش چنین کاری نخواهیم شد. (۱۴) در کربلا و حماسه ی عاشورا جوانان زیادی رشادت ها و فداکاری هایی فراموش ناشدنی از خود برجای گذاشتند که هیچ گاه از صفحه ی زندگی بشر پاک نخواهد شد، ما بر آن شده ایم تا از بین این جوانان به زندگی و فداکاری های حضرت ابوالفضل بپردازیم.

#### حضرت عباس (ع) الگویی بی بدیل

عباس بن علی (ع) روز چهارم ماه شعبان سال بیست و ششم هجرت از دامن فاطمه ی کلابی معروف به ام البنین در مدینه چشم به جهان گشود. (موسوی مقدم، عبدالرزاق، مترجم پرویز لولاور، ۱۳۹۱، ص ۷۴) (۱۴)

همانطور که برادر او حسین بن علی (ع) سوم شعبان سال چهارم هجرت در همان شهر از دامن فاطمه (س) دختر ارجمند پیامبر (ص) چشم به دنیا گشوده بود. (مجلسی، محمد باقر قزوینی، محمد حسن بن ولی، ۱۳۷، ص ۱۹۸) (۱۶)

کنیه حضرت: ۱- ابوالفضل ۲- ابوالقاسم

والقاب ایشان:

۱- قمر بنی هاشم: عباس از همان روزهای اول ولادت کودک فوق العاده زیبا و خوش اندامی بود، او را زیباترین کودک کان نی یافتند و به همین جهت همگان به او ((لقب بنی هاشم)) دادند. زیرا این یک رسم عمومی در میان اعراب بود که شخصی را که خوش اندام و دلاور بود و خصلت های اخلاقی و معنوی را نیز به زیبایی و دل آرایش می افزود به او عنوان قمر یعنی ماه می دادند.

۲- ساقی لب تشنگان: یکی از لقب های حضرت ابولفضل است و این عنوان بدین خاطر به او داده شده، که او در زندگی خود جوانمردی درخشانی نشان می داد، در روز عاشورا به هنگامه ی جنگ نابرابر علیه حسین ع(ع) میان اردوگاه و (نهر فرات) برای تامین آب مورد نیاز حسین ع(ع) و خانواده و یاران او، رفت و آمد و کوشش زیادی داشت، زیرا ارتش ((یزید)) و فرمانده ی او ((عبیدالله بن زیاد)) نهر آب را به محاصره ی خود درآورده بودند، تا حسین ع(ع) و یاران و کود کانش نتوانند از آب استفاده کنند..

۳- ابوقریه: یعنی شخص صاحب اختیار مشک آب، این لقب هم برای حضرت عباس ع(ع) بدین جهت بود، که وی پیوسته با ((مشک چرمی)) به حمل و نقل آب می پرداخت، کودکان را بدین وسیله سیراب می کرد، و سرانجام هم در حالی که برای آب دادن فرزندان اهل بیت پیغمبر ص(ص) مشک آب به دوش داشت شربت شهادت نوشید.

۴- ابولفضل: کنیه ی دیگر ((عباس بن علی)) است. درباره ی این عنوان وی هم دو علت می توان در نظر گرفت: یکی اینکه او فرزندی بنام فضل داشته و ابولفضل یعنی ((پدر فضل)) و دیگری اینکه ((عباس)) از نظر ارزش های اخلاقی به فضل و کرم و مروت و شهامت آراسته بود

۵- سقا: عنوان دیگر حضرت ابولفضل است که علت نامگذاری او را به این عنوان، در فداکاریها و قهرمانی های اسطوره ای او در معرکه ی کربلا برای به دست آوردن آب، جهت تشنگان باید جستجو کرد. (صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۷۴، زندگانی حضرت ابوالفضل ع(ع)، نشر مطهر، تهران ص(۳۱-۳۶) (۵)

۶- عبد صالح: پر محتواترین و زیباترین عنوان ((قهرمان عاشورا)) است. عنوان عبد صالح را در زیارت حضرت ابولفضل که امام صادق خواندن آن را سفارش کرده اند مشاهده می کنیم. و این عثمان دارای چنان عظمت و قداست بلندی است که قبل از آن هم خداوند متعال بسیاری از پیامبران و رجال آسمانی را بدان نامیده است (ابن قولویه قمی، جعفر، کامل الزیارات، ص ۲۵۶) (۱۵)

۸- حامل اللوا: از لقب های مشهور او علمداری است به خاطر فراهم بودن قابلیت های سلحشوری در وجود او، علمداری که در آن زمان از مهم ترین و حساس ترین مناسب در لشکر بوده است به او داده می شود (رجبیان، قاسم، ۱۳۹۳، یا ابولفضل العباس ع(ع)، نشر عصر رهایی، ص(۱۵۳) (۱۷)

۹- باب الحوائج: ابوالفضل العباس ع(ع) پرورش یافته صالحه کریمه ای بود. کمتر انسانی پیدا می شود که در سایه پدرش که پیشوای عدالت اجتماعی در زمین است تربیت شود و او را به علوم و تقوایی تغذیه کند و در جانش صفات شریف و عادات پاکی که در آن نمونه شود را بنشانند. همانگونه که مادرش فاطمه تمام صفات و کمال را در جانش کاشت و به دوستی خالق بزرگ تغذیه کرد و در روزهای طفولیت او را به مرضات و طاعت او مطلع گردانید و این ملازم او در طول زندگی اش شد. (شریف القرشی، باقر، مترجم سید محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی، ۱۳۸۷، ص(۳۲) (۶)

### ویژگی های ابوالفضل العباس ع(ع)

علاوه بر ویژگی هایی که در قسمت قبل ذکر شد در این قسمت نیز درباره ی ویژگی ها و صفاتی دیگر از ابوالفضل العباس یاد می کنیم:



ابوالفضل (ع) همیشه ملازم برادرانش دو ریحانه رسول الله (ص)، حسن و حسین سادات جوانان اهل بهشت بود و از آنها قواعد فضیلت و اساس آداب عالیّه را می آموخت و به صورت خاص با برادرش، سیدالشهدا، امام حسین (ع) ملازم بود. در تمامی حرکاتش از او جدا نمی شد و رفتارش در او اثر گذاشته و در جانش نفوذ کرده بود به گونه ای که نمونه اخلاق کریمانه و سجایای پسندیده او گردیده بود، حتی صورت صادقی از وجهات وی شده و نمونه او بود او به امام حسین (ع) اخلاص کامل پیدا کرد، بزرگترین اخلاص، به طوری که امام او را بر همه اهل بیتش مقدم داشت چون در او دوستی صادق دید تا سرانجام خود را فدای امام کرد. (شریف القرشی، باقر، مترجم سید محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۴۳) (۶)

عباس بن علی بن ابیطالب (ع) از شخصیت های بزرگ تاریخ اسلام است. برای هر کسی که می خواهد نقش سازنده ای ایماّت را در تکوین شخصیت انسانی مورد مطالعه قرار دهد باید به سرگذشت زندگی ((عباس بن علی-ع)) توجه دقیقی مبذول دارد، و هیچکس هم از خواندن این داستان زندگی بی نیاز نخواهد بود.

از سوی دیگر عباس نمونه ی کامل مروت و مردانگی است که وفاداری، اخلاص، فداکاری و جانبازی در راه دیگری را در سطح درخشانی به نمایش گذاشته است.

بیشتر مردم عباس بن علی (ع) را فقط در لایه لای تاریخ کربلا و حوادث جاویدان آن روز تاریخی می یابند و می شناسند، در حالیکه بسیاری از تاریخ نگاران عقیده دارند، عباس (ع) از همان روزگار جوانی شخصیت والایی بود، قلب نیرومندی داشت، به اراده ی آهنینی مجهز بود و در حوادث سخت چون کوه استواری و مقاومت داشت چنانکه در میدان های جنگ، سوار رزم آوری بود، که ازامواج سختی ها سر بلند بیرون می آمد، و در جنگ کافران و مشرکان برضد اسلام، آنان را از پای در می آورد.

یکی از ویژگی های حضرت عباس (ع) پابندی به ارزش های اخلاقی است که با مثالی یادآور می شویم: گفتیم که در تاریخ زندگی شجاعان، داستان های فراوانی رخ داده است اما بزرگترین داستان، که آن را معجزه ی بزرگ باید نامید، چیزی است که عباس بن علی (ع) آن را انجام داده است. در روز عاشورا، دشمن جنگ را آغاز کرد و تعدادی از یاران حسین (ع) را به شهادت رسانید کاما وقتی عباس (ع) آن وضع را مشاهده کرد و تشنگی کودکان و یاران را دید، به شریعه ی فرات وارد شد و مشکی که همراه داشت، پر از آب کرد، خود نیز در اثر هوای گرم و فعالیت زیاد و گرد و غبار میدان جنگ، بسیار تشنه و تفتیده شده بود، بدین جهت دست ها را در آب فرو برد و مشت آب را جلوی دهان آورد اما ناگاه به یاد تشنگی برادرش حسین (ع) و کودکان تشنه ی خیمه ها افتاد، بدین خاطر، عشق به حسین (ع) و فرزندانش تشنه ی او مانع از آن شد که حتی عباس یک قطره آب هم بنوشد، آن گاه وی جوانمردی را بی سابقه ی تاریخی خود را نشان داد، مشت آب را روی موج نهر ریخت و با سرعت مشک آب را به سوی خیمه ها حرکت در آورد. عباس مشک آب را با عجله به سوی خیمه های حسین (ع) و خانواده و یاران او حرکت داد، گروهی از اسب سواران دشمن راه را بر آن حضرت بستند اما آن قهرمان علقمه با شمشیر آخته چون شیر به آنان حمله برد و آنان را تار و مار کرد، دشمن هم که مقابله با عباس را بی نتیجه دید، ناچار راه را برای عبور او آزاد گذاشت و عباس (ع) که عمده ی هدف او رساندن آب به کودکان تشنه بود به راه خود ادامه می داد. (صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵-۱۱۹) (۵)

دشمن برای چندمین بار شجاعت عباس (ع) و ناتوانی خود را احساس کرده بود، بدین جهت وقتی از رویارویی با وی ناتوان گردید راه حله را که اسلحه ی هر گروه زبونی بود انتخاب کرد. (زیدبن رقاده جهمی) در پشت درخت خرمایی پنهان شد و ناگهان از عقب سر، عباس (ع) را مورد حمله قرار داد و با شمشیر دست راست او را از ساعد قطع کرد اما عباس (ع) با چالاکی و با وجود درد شدید مشک آب را به شانه ی چپ انداخت، و با دست چپ به وسیله ی شمشیر، دشمن را پراکنده می کرد و به راه خود ادامه می داد.

آری با این وصف عباس (ع) به سوی خیمه های حسین (ع) ره می سپرد که (حکیم بن طفیل سحمی) که از پشت درخت خرما ی دیگری کمین کرده بود بیرون پرید و با یک ضربه ی ناجوانمردانه ، دست چپ آن حضرت را هم از ساعد قطع کرد. عباس بن علی (ع) که در اثر حمله ی وحیله ی ناجوانمردانه ی دشمن دو دست خود را از ساعد از دست داده بود، بوسیله ی بازوهای مجروح ، پرچم را افراشته نگاه داشت و همچنان در حالی که مشک آب را محفوظ داشته بود به راه خود ادامه می داد. اکنون عباس در حالی که (ع) با دست های قطع شده، در حالی که پرچم و مشک آب را به وسیله ی بازوهای خود همچنان برافراشته و محفوظ داشته است ، به سوی خیمه های حسین (ع) اسب می راند، که مورد هجوم باران تیراندازان قرار گرفت. مشک آب سوراخ گردید و آب آن روی زمین ریخته شد، تبری به سینه ی آن حضرت اصابت کرد، اینجا بود که عباس (ع) همه ی نیروهای خود را در گلو جمع کرد و فریاد برداشت: "علیک منی السلام، یا ابا عبدالله ، ادرکنی"

عباس دلاور که صلابت و شجاعت او را هیچکس نمی توانست مهار کند، وقتی دودست خود را از دست داد، از سینه ی سوراخ شده اش خون فوران می زد و تیرهای پی در پی سر و صورت و بدنش را غرق خون نموده بود، یکی از دژخیمان دشمن او را مورد حمله قرار داد و با میله ی آهنین فرق سر او را هدف قرار داد. و آن حضرت روی زمین قرار گرفت. آری عباس علمدار با وجود بدن مجروح و خون آلود شهید شد و شهادت او برای حسین (ع) و بازماندگان خاندان رسالت و یاران فاجعه ی دردناکی بود. (صادقی اردستانی ، احمد ، ۱۳۷۴ ، ص ۴۰) (۵)

حضرت ابوالفضل دهم محرم سال شصت و یک هجری ، به سن ۳۴ سالگی در کربلا شهید شد (نفس المفهوم ص ۱۷۶)، و عمر سراسر جهاد و مبارزه و جوانمردیش پایان یافت. اما مقام بلند معنوی او تا آنجا اوج گرفت ، که امام زین العابدین (ع) درباره ی او فرموده است: خداوند عموی ما عباس را مورد رحمت و عنایت خویش قرار دهد. زیرا او سختی فراوان دید و در راه حمایت برادر خود ایثار کرد، جان خود را فدای حسین (ع) نمود تا جایی که در این جانفشانی دو دست او از بدن قطع شد، و خداوند در مقابل آن دو بال به او عطا کرد، تا همچون (جعفر طیار) در بهشت اوج گیرد. آری به راستی عباس (ع) در پیشگاه خداوند به آن چنان مقام بلندی دست یافته است که تمام شهیدان تا روز قیامت بر مقام و منزلت درخشان او افسوس می خورند. (مجلسی، محمدباقر، ترجمه محمد حسن بن ولی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۸) (۱۶)

### نتیجه گیری

حماسه ی عاشورا حماسه ای تاریخی و فراموش نشدنی برای تمامی قرون و سرشار از معارف و حقایقی آشکاری باشد. رهنمود ها و پیام های این حماسه عظیم ، مخصوص مکتب و گروه خاصی نیست؛ بلکه در تمامی ابعاد و شئون زندگی جامعه بشری روشنایی داده و حیات بخش می باشد. بنابراین نباید تنها به نقل تاریخ عاشورا و عزاداری بر مصائب تکیه کرد بلکه باید به این نکته توجه کرد که امام حسین و یاران باوفایش چه هدفی را دنبال می کردند و برای چه در این راه قدم گذاشته و جان خود را فدا کردند.

پیشنهاد میشود معلمان در کنار آموزش مفاهیم علمی و آموزشی ، به ارزش های اخلاقی همچون احترام ، وفاداری ، از خود گذشتگی ، صبر، شجاعت، ایمان و... توجه کرده و بتواند آن ها را در وجود دانش آموزانش نهادینه کند.

باداشتن الگو هایی غنی و ارزشمندی چون حضرت عباس (ع) میتوان به دانش آموزان یاد که چگونه از ایشان الگو گرفته و راه ایشان را دنبال کنند. همچنین میتوان تحقیقاتی در این راستا به بچه ها واگذار کنیم . به امید روزی که بتوانیم دانش آموزانی عباس وار و حسین وار تربیت کنیم و آرمان های حسینی را زنده کرده و فرهنگ عاشورایی را تحقق ببخشیم.

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰبَعِ الْهُدٰی قَوْلَهُ سُبْحَانَهُ: اَنَا لَا نَضِيعُ اَجْرَ مَنْ احْسَنَ عَمَلًا

## منابع و مآخذ:

۱. دوانی، علی. (۱۳۶۳) سیمای جوانان در قرآن و تاریخ اسلام، تهران: نشر فرهنگ.
۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران: نشر موسسات.
۳. معین محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ معین، تهران: نشر امیرکبیر.
۴. مارگارت هریس و جرج باترورث، روانشناسی رشد، مترجم غلامرضا تبریزی و همکاران. (۱۳۸۵). تهران: نشر مرنديز.
۵. صادقی اردستانی، احمد. (۱۳۷۴). زندگانی حضرت ابوالفضل (ع)، تهران: نشر مطهر.
۶. شریف القرشی، باقر، مترجم سید محمد صالحی، غلامرضا حمصیان کاشانی. (۱۳۸۷). زندگینامه و کرامات حضرت ابوالفضل العباس (ع)، تهران: نشر، موعود عصر (عج).
۷. آوینی، مرتضی. (۱۳۷۹). فتح خون، تهران: نشر ساقی.
۸. قمی، عباس، مترجم، شعرانی ابوالحسن. (۱۳۸۷) نفس المفهوم، قم: نشر والقربی.
۹. روشندل، محمدباقر. ( ). همراه با سیدالشهدا از مدینه تا کربلا، تهران: نشر دارالحدیث.
۱۰. سیدین طاووس، مترجم محمد اسکندری. (۱۳۸۸). لهوف، تهران: نشر آرام دل.
۱۱. بحرانی، سیدهاشم، مترجم سید غریب عساکره. (۱۳۹۳) مدینه المعاجز، قم: نشر معارف اسلامی.
۱۲. قنبری همدانی، حشمت الله. (۱۳۷۹) همراه با آل علی از عاشورا تا اربعین، تهران: نشر امیر کبیر.
۱۳. بدآونی، عبدالقادر بن ملوک شاه. (۱۳۷۹) منتخب التاریخ، تهران: نشر تهران.
۱۴. موسوی مقدم، عبدالرزاق، مترجم پرویز لولاور. (۱۳۹۱) العباس، تهران: نشر آرام دل.
۱۵. ابن قولویه قمی، جعفر، کامل الزیارات،
۱۶. مجلسی، محمدباقر، ترجمه محمد حسن بن ولی. (۱۳۷۷). بحارالانوار ج ۴۴، تهران: نشر تهران.
۱۷. رجیبیان، قاسم. (۱۳۹۳). یا ابوالفضل العباس (ع)، تهران: نشر عصر رهایی.

## تبیین نقش معلمی حضرت زینب (س) در رمزگشایی پیام عاشورا

محدثه مباحثی<sup>۱</sup>، مهروز میرزائیانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دانشگاه فرهنگیان ، تلفن همراه ۰۹۳۵۸۲۹۴۱۷۲ ، ایمیل Yalda92\_m@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دانشگاه فرهنگیان ، تلفن همراه ۰۹۰۱۳۲۰۲۴۵ ، ایمیل mahroozmirzayian@yahoo.com

### چکیده:

نهضت و قیام کربلا از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود و از زوایایی مختلفی قابل بررسی و تحلیل است. این نهضت که حق را از باطل جدا نمود، از سویی تأثیر ژرف و شگرفی در بیداری مسلمانان گذارد و از سوی دیگر، تبلیغات منفی چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت. بی شک زینب کبری (س) بود که با تبلیغات بجا، روشن و به ویژه با خطابه های افشاگرانه خویش در کوفه و شام توانست بر افکار مسلمانان تأثیر عمیقی گذاشته و آنها را از خواب غفلت بیدار کند و چهره واقعی امویان را برملا سازد. مهم ترین پیامدهای خطبه های آن حضرت عبارتند از: تحقیر دشمن و حفظ کرامت اهل بیت (ع)، افشای ماهیت بنی امیه، تبیین مظلومیت امام حسین (ع)، کنار زدن نقاب ظالمین، تأیید و تثبیت امامت و... در واقع اگر بیداری اسلامی و تبیین حماسه عاشورا از سوی حضرت زینب (س) انجام نمی شد، نهضت عاشورا چنین ماندگار نمی ماند.

**واژگان کلیدی:** نقش حضرت زینب ، تبلیغ ، پیام عاشورا

## تبیین مسئله تحقیق

پرسش های اصلی :

۱ - پیام عاشورا چه بود ؟ - حضرت زینب با افشاگری خود چه نقشی در تبیین پیام عاشورا دارند ؟ - حضرت زینب کبری ( س ) به عنوان پیام آور انقلاب کربلا ، دارای چه ویژگی های شخصیتی بود که به ایشان ارزش و عظمت جاودانه داده است ؟

پرسش فرعی :

۱ - پیامد خطبه های حضرت زینب ( س ) در بیداری مردم چه بود ؟

## مقدمه :

نهضت خونین و جاودانه کربلا از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود. ابعاد انقلاب حسینی از زوایای گوناگون قابل بررسی است. این نهضت، حق را از باطل جدا نمود و تأثیری ژرف بر بیداری مسلمانان گزارد و از سوی دیگر، تبلیغات چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت. در تاریخ، انقلاب های فراوانی رخ داده و افراد بسیاری از خود گذشتگی و فداکاری کرده اند، ولی با گذشت زمان، از یادها رفته اند، در حالی که نهضت عاشورا نه اینکه با مرور زمان کم رنگ نشده، بلکه روزبه روز در دل های مسلمانان، ماندگارتر می شود.

یک مربی باید خود را به فضائی که می خواهد به دیگران یا به فرزندان خویش انتقال دهد، بیاراید و قبلاً خود را نمونه ی فضیلت و اخلاق کند تا تربیتش تاثیر جدی و سریع داشته باشد ، بی شک بی بدیل ترین نقش و مؤثرترین تبلیغ را در راه زنده نگه داشتن این انقلاب، عقیده بنی هاشم، حضرت زینب کبری (س) بر عهده داشت که در جاودانگی و تداوم این نهضت بزرگ کوشید و بنی امیه را رسوا ساخت . این نوشتار بر آن است تا نقش تبلیغی حضرت زینب (س) را با محوریت خطابه های حضرت در آگاهی بخشی و بیداری مسلمانان مورد کنکاش قرار دهد .

پیام های عاشورا ( میردامادی ، ۱۳۷۵: ۲۳-۵۸ )

۱ . پیام فداکاری

قال حسین بن علی (ع) : انما الحیوه عقیده و جهاد .

حضرت امام حسین فرمودند : زندگی شرافتمندانه به واسطه اندیشه و فداکاری در راه او بدست می آید .

۲. پیام ایثار

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِثُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (سوره حشر، آیه ۹)

خداوند در این آیه شریفه تعریف از انصار می کند و آنان را رستگار معرفی می نماید، به واسطه صفت ایثار و از خود گذشتگی که در آنان وجود داشته و در حق برادران دینی خود و مهمانان عزیز خود انجام دادند و مسلماً این تعریف اختصاص به انصار ندارد، ولو آنکه شان نزول آیه در مورد آنان است و به قول ادبا مورد محخص نیست پس هر کس و در هر زمان و در هر مکان چنین گذشتی از خود انجام دهد و متصف به این صفت حمیده و خصلت پسندیده گردد، یکی از مصادیق این آیه شریفه خواهد بود.

۳. پیام استقبال از مرگ و بی اعتنایی به دنیا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (سوره مائده، آیه ۶۹)

اولیا خدا چون معتقد به معاد و قیامت هستند و این دنیا را منزلگاه موقت می دانند دل به این دنیا نمی بندند، آن را وسیله می دانند و در این عالم خود را برای رسیدن به عالم بالاتر آماده می کنند و مرگ را برای خود وسیله ترقی می دانند و تنها از او ترس ندارند و بلکه از او استقبال می نمایند.

۴. پیام امر به معروف و نهی از منکر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)

جامعه بشری به دلیل داشتن غرایز حیوانی و تسلط شیطان بر آنها، تمایلات شدیدی به گناه و سرپیچی از وظایف انسانی و اسلامی دارد و اگر نباشند افرادی که بر آنها نظارت کنند و جامعه و امت اسلامی را به اعمال نیک ترغیب و از اعمال زشت باز دارند قطعاً فساد و فتنه جامعه را پر می کند و ظلم و جنایت در جامعه رواج پیدا می کند لذا وجوب امر به معروف و نهی از منکر از نظر عقل و منطق هم یک اصل مسلم است و قابل هیچ گونه شک و تردید نیست.

۵. پیام نماز و توجه به خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ. (سوره الحج، آیه ۶۱)

خداوند اولین وظیفه مسئولین و گردانندگان حکومت اسلامی را اهتمام به امر نماز و احیاء این فریضه بزرگ می داند و می فرماید: مسلمانان همین که قدرت را به دست گرفتند، اولین کارشان برپا داشتن نماز است.

۶. پیام رهایی خلق از اسارت و اصلاح امر امت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ (سوره نسا، آیه ۷۵)



در اسلام برای مسلمانان دو دسته وظیفه تعیین و واجب گردیده است اول وظایف فردی یعنی هر فرد مسلمانی تکالیفی از قبیل خواندن نماز و گرفتن روزه دارد که باید انجام دهد و در راه سعادت و نجات خود کوشش نماید .

دوم: تکالیف اجتماعی و آناه وظایفی هست که باید فرد فرد مسلمانان نسبت به یکدیگر انجام بدهند و عمل کنند و با انجام آن وظایف روابط خود را به دیگر مسلمانان تحکیم بخشند و وحدت و دوستی به وجود آورند.

#### ۷. پیام وفاداری

قال الله تعالى:

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ. (سوره نحل آیه ۹۱)

یکی از صفات پسندیده که قرآن بسیار درباره او سخن گفته صفت وفاداری است که از امتیازات مومنین شمرده می شود لذا می توان چنین ادعا کرد: که وفای به عهد علاوه بر آنکه یک وظیفه دینی و تکلیف اسلامی است، یک وظیفه و حق انسانی نیز می باشد که تخلف از او از نظر عقل و وجدان هم مذموم است.

#### ۸. پیام غیرت و مردانگی

قال الله تعالى:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنَّ اسْتِخْبَاءَ الْكُفْرِ عَلَى الْإِيمَانِ..... (سوره براءت آیه ۲۳ و ۲۴)

هر انسان مسلمان و مومنی باید نسبت به مذهب و عقاید و مقدسات دینی خود غیور باشد و اجازه تجاوز به حریم مقدس آنها را به عهده ندهد و دفاع از آنها را بر خود واجب بداند که این صفت یکی از صفات پیشوایان دین و ائمه معصومین (ع) است که در گفتار و رفتار آنها متجلی بوده است.

#### ۹. پیام عزت نفس

قال الله تعالى:

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (سوره نساء آیه ۱۳۹)

یکی از اسم های خدا عزیز است و عزت یکی از صفات نیک برای هر انسان مسلمانی است مومن را خداوند عزیز قرار داده و باید برای حفظ این نعمت بزرگ جدیت و کوشش نماید.

#### ۱۰. پیام دفاع از رهبر و حجه زمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. (سوره نساء ، آیه ۵۸)

در هر عصر و زمانی مسلمانان وظیفه دارند از امام زمان و رهبر عصر خود حمایت کنند و حراست از جان او را بر خویش مقدم دارند زیرا حفظ اسلام بر هر مسلمانی واجب است و حفظ اسلام و قرآن توقف بر دفاع و حمایت از امام و حجت زمان دارد.

#### ۱۱. پیام برخورد با دشمن

قال الله تعالى:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا - وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا. (سوره فرقان، آیه ۶۲ و ۷۱)

هدف از بعثت پیامبران و فرستادن کتب آسمانی احیاء صفات نیک و سوق دادن جامعه بشریت به سوی آنها و ایجاد ارتباط سالم و وحدت بین اقشار و طبقات مختلف آنهاست و یکی از این صفات نیک صفت عفو و گذشت است که در مقام بخورد با دشمن و انسانهای نادان باید اعمال گردد.

۱۲. پیام ایمان به هدف

قال الله تعالى:

أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُتِبَ وَرُسُلُهُ. (سوره بقره، آیه ۲۸۵)

یکی از درس هایی که باید از عاشورا بیاموزیم ایمان به هدف است، که روح سلحشوری و فداکاری را در انسان تقویت می کند. هر مسلمانی به آنچه می گوید راهی که می رود باید ایمان و اعتقاد داشته باشد.

۱۳. پیام عشق به خدا

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (سوره آل عمران، آیه ۳۰)

محبت و عشق به خدا بالاترین عبادات است و برای مومنین هیچ لذتی بالاتر از آن نیست حب خدا یعنی برداشتن پرده حجاب از قلب که هرچه در جهان می بیند جمال خدا را در آن مشاهده کند.

۱۴. پیام استقامت

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا فَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ. (سوره فصلت، آیه ۲۹)

صبر و استقامت بزرگترین نیرویی است که به واسطه او انسان ها در مقابل مشکلات و نارسائیهایی ایستادگی می کنند و بر آن ها غالب می شوند و غیر ممکن ها را ممکن می سازند.

## شخصیت حضرت زینب (س)

روان شناسان، سه عامل مهم وراثت، تربیت و محیط را از اساسی ترین عوامل در ساختار پایه های شخصیت آدمی می دانند (شفیع آبادی، ۱۳۷۱: صص ۲۳، ۳۱). این سه عنصر مهم، در زندگی حضرت زینب (س) جایگاه ویژه ای داشت و برای بررسی رسالت حضرت زینب (س) باید نخست، شخصیت ایشان را بررسی نمود.

### ۱. وراثت

جد ایشان، خاتم پیامبران (ص) بود و زینب (س) از خمیره ذات ایشان آفریده شد. رسول خدا (ص) فرمود: «فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، ام کلثوم) که من، ولی و سرپرستی نسبی آنها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده اند». مادر این بانو، دختر پیامبر (ص) و بهترین زنان عالم است و پدرش مولای متقیان علی (ع)، وصی رسول

خدا(ص) است. از این رو، شخصیت حضرت زینب(س) آمیزه‌ای از حالات ملکوتی رسول خدا(ص)، حضرت علی(ع) و فاطمه(ع) است و این بانو مراتب کمال خویش را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

## ۲. تربیت

حضرت زینب(س) از ولادت تا شش سالگی در دامان پرمهر پیامبر(ص) و علی(ع) تربیت یافت. (حسینی فیروزآبادی، ۱۳۷۴: ص ۱۵۰) مریدان این بانوی بزرگ، پیامبر(ص)، علی(ع) و مادری همچون فاطمه(س) و برادرانی همانند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بودند و این تربیت آسمانی سبب شد که او سومین بانوی جهان اسلام پس از خدیجه(س) و فاطمه(س) به شمار آید.

## ۳. محیط

حضرت زینب(س) در کانون فضایل، صفا و صمیمیت رشد و نمو یافت؛ خانه‌ای که مرکز امید و آرزوها و محبوب دل‌های مؤمنان بود. در چنین محیط نورانی و پربرکتی، ارزش‌های دینی و انسانی در وجود حضرت زینب(س) بارور شد. ایشان سخنرانی مادرش را در مسجد و در دفاع از کیان اسلام و ولایت فراموش نکرد و از آن درس عفاف و نگاهبانی از دستاوردهای جد بزرگوارش را فراگرفت.

## نقش و جایگاه اجتماعی حضرت زینب (س)

از جمله مسائلی که در کتب مختلف اشاره‌ی کمی به آن شده، نقش اجتماعی حضرت زینب (س) است.

این جنبه از شخصیت بانوی بزرگ تا حد زیادی از دید مورخان پنهان مانده است ولی در بعضی کتب به اختصار اشاره شده است.

حضرت زینب (س) چند کار داشت، خانه داری می کرد، وظیفه‌ی همسری را انجام می داد، به وظیفه‌ی مادری هم می پرداخت و بالاتر از همه‌ی اینها خدمات اجتماعی میکرد.

او عقیده داشت باید مثل مادرش حضرت فاطمه یک خدمتگذار بلند همت و یک معلم خردمند باشد. او سرمشی برای زنان دنیا در قرن‌های آینده شد تا مادران و دختران دیدندار از او پیروی کنند و خوشبخت شوند.

عده‌ای از زنان هفته‌ای چند بار به دیدار او می آمدند، آنان دوستدار دانش و اخلاق بودند، در واقع زینب معلم بود و آنان شاگرد، او با دلسوزی درس اخلاق، دینداری و راه و رسم زندگی را به آنان می آموخت. (عبداللهی، ۱۳۷۹: ص ۹۷-۱۰۰) دانشمندان بعضی سخنان پیغمبر را از زبان زینب نقل می کردند، درس او نه زبانی بلکه عملی بود، او خوب می دانست که اخلاق و دینداری را نمی توان با زبان درس داد، باید آن را با رفتار و کردار آموخت. او در خانه، مسجد، در راه و در مهمانی خوش رفتار بود، هر زنی که رفتار او را میدید پیرو و دوستدار او میشد. همه‌ی آرایش‌های او آراستگی‌های اخلاقی بود، همه جا مدرسه‌ی زینب بود، همه جا درس می داد، زندگانی او یک مکتب بزرگ بود. شخصیت اجتماعی حضرت زینب را می توان از دو جنبه‌ی برونی و درونی تحلیل و ارزیابی کرد.

عوامل بی نیازی، هدف برتر و مقاومت در برابر مشکلات مجموعه عوامل درونی را تشکیل می دهد. ملاحظه رفتار و عمل یک شخصیت تاریخی، مانند حضرت زینب (سلام الله الیها) معرفی عالی ترین درجه از بی نیازی یا به عبارتی خود صفت بی نیازی است.

وجود این عوامل درعالی ترین سطح، بیانگر حرکت حضرت زینب در جریان عاشورا است و چهارچوب یک مدل شناخت رفتاری را برای سایر زنان نمونه شکل می دهد، شناخت سه شاخصه‌ی درونی از میان صفات رفتاری برای هر موضوع و تعیین سطح آن صفت در شخص برای معرفی یک شخصیت کافی نیست بلکه

شرایط جامعه و تعامل آن با عوامل درونی می تواند به شناخت کامل تری از آن شخصیت بیانجامد ، در این راستا عوامل بیرونی را می توان به سه دسته تقسیم کرد(شیری ، ۱۳۸۵:ص ۹۷ - ۱۰۰) :

\_\_ عوامل سیاسی جامعه (درگیری با حکومت بنی امیه)

\_\_ عوامل فرهنگی جامعه (پیدایش نژاد گرایی)

\_\_ عوامل اقتصادی (حاکمیت مطلق نژاد گرایی که به مراتب ظالمانه تر از استبداد مطلق است)

لذا حضرت با وضعیتی مواجه شده اند که نه تنها شرافت در هیچ مرتبه ای از آن وجود ندارد، بلکه دنائت هم در جامعه با پذیرش عمومی مواجه شده است که نشان دهنده بدترین وضعیت برای شرایط اجتماعی است و حضرت زینب در این شرایط با حوزه های مختلفی از جمله :

\_\_ جامعه اسرا(حضرت در کمال امنیت ساسی برخورد کرده و ایتثار و از خودگذشتگی را نشان می دهد)

\_\_ جامعه عمومی (حضرت مرتباً تداوم ولایت و اصول ارزشی را گوشزد می کردند)

\_\_ نظام حاکم (حضرت به شکل های مختلف برتری حضور خود را اعلام میکردند که هرکاری بکنید نمی توانید یاد ما را از بین ببرید)

در نتیجه می توان ملاحظه کرد که برخورد حضرت با مردم، با قدرت حاکم و با اسراء به گونه ای بوده است که حاصل آن کشیده شدن ملت به قیام می باشد.

شخصیت های تاریخی اسلام و در راس آنها ائمه معصومین (ع) و حضرت زینب (ص) تنها به انجام مناسک فردی قانع نبودند بلکه اشاعه دین و گسترش اسلام و کلمه توحید بالاترین هدف آن بوده است .

### خطبه حضرت زینب(س) در کوفه

خطبه های حضرت زینب(س) متناسب با شرایط زمان و مکان بیان می گردید تا کسانی را که گرفتار تبلیغات امویان شده بودند، بیدار کند. حضرت زینب(س) و کاروان او ، سازمان تبلیغی امام حسین(ع) بودند و سرنوشت قیام و آگاهی بخشی مردم به دست آنها بود (پاک نیا ، ۱۳۸۶ : ص ۵۰ - ۷۳) .

### ۱ . آغاز خطبه با ستایش پروردگار

ابتدای خطبه کوفه، شباهت های عجیبی با خطبه های امام علی(ع) در نهج البلاغه داشت. درحالی که خطبه شام ، با حمد و ثنای بسیار اجمالی خداوند بیان می شود در خطبه کوفه ، ثنا و حمد خدا و قدرت خداوند در آفرینش به شرح مفصل بیان می گردد. این خطبه خاطره سخن گفتن امیر مؤمنان را در ذهن کوفیان زنده می کند.

### ۲ . اشاره به تسلسل و پیوستگی امامت در خاندان پیامبر(ص)

بیان اینکه پس از رحلت پیامبر(ص)، سکان هدایت امت به امام علی(ع)، سپس به امام حسن(ع) و بعد به امام حسین(ع) رسیده است و حق خاندان پیامبر(ص) را غاصبان و امویان غصب نموده اند. عباراتی چون «برادر و وصی رسول خدا را کشتید و امیرالمؤمنین را شهید کردید و برادرم سیدالشهدا را کشتید» (طبرسی، ۱۴۰۳.ق: صص ۱۱۰، ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳.ق: ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ قمی، ۲۴۷) نشانه ای از این هدف است.

### ۳. استناد به آیات قرآن

حضرت با خواندن آیات قرآن، غصب حق رهبری را به دست امویان بیان می دارد:

"بارالها این مردم برخلاف آنچه در قرآن فرستادی و عهد و میثاق کردی درباره وحی پیغمبرت(ص) و علی بن ابی طالب(ع)، حق او را سلب کردند و پیروان او را به ستم و جور کشتند و امروز فرزندان او را کشتند". (طبرسی، ۱۴۰۳.ق: صص ۱۱۰، ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳.ق: ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ قمی، ۲۴۷)

در فرازی دیگر از این خطبه، زینب کبری(س) فرمود:

ای جماعت نیرنگ و افسون، آیا بر ما گریه می کنید؟ اشک چشمانتان خشک نگردد و ناله هایتان فروکش نکند! مثل شما مثل زنی است که پس از آنکه پشمش را با قدرت می ریسد، دوباره آن را باز کرده و پنبه می کند، شما نیز عهد و پیمان را با یکدیگر می شکنید. شما جگر گوشه رسول خدا(ص) و سید جوانان اهل بهشت را کشتید. آیا می دانید که چه جگری از پیامبر(ص) شکافتید و چه پیمانی گسستید؟ آیا تعجب می کنید اگر از جنایاتتان، آسمان خون ببارد؟... (طبرسی، ۱۴۰۳.ق: صص ۱۱۰، ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳.ق: ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ قمی، ۲۴۷)

### پیامد خطبه حضرت زینب

حضرت زینب(س) خطابه را پایان داد. او که با قلبی داغدار، جنایت های کربلا را شرح می داد، هیجان زیادی در کوفه ایجاد کرد و وضع روحی مردم را دگرگون ساخت. راوی می گوید: «فوالله رایت الناس یومئذ حیارى یبکون و قد وضعوا یدیهیم فی افواههم» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ص ۲۱۸)

در خواب مرگبار فرورفته بودند، بیدار شدند. سخنان حضرت زینب(س) مانند صیحه آسمانی، محیط های حکومت، پس از خطبه آن حضرت، مردمی که با افسونگری کوفه را گرفت و بر آن، اثر جانشوز گزارد. ایشان، مردم را نكوهش کرد تا این زیاد نتواند حقایق تلخ عاشورا و ماهیت قیام امام حسین(ع) را منحرف سازد و افکار کوفیان برای گرفتن انتقام از عاملان آن حادثه آماده شود.

در پایان خطبه، آشوب شهر و قیام علیه حکومت احساس می شد. بلکه در پی این خطبه، هیجانی به وجود آمد که دیگر آرام نشد تا سرانجام، مردم گرد مختار آمدند و دست به انقلابی زدند که فرزند زیاد و همه شرکت کنندگان را فراگرفت و آنها را به دست انتقام سپرد. (هاشمی نژاد، ۱۳۶۵: ص ۳۱۶)

### حضرت زینب در کاخ یزید

ایشان خطبه خود را با بیان کمالات حضرت محمد(ص) آغاز کرد که به برخی از قسمت های آن اشاره می کنیم:

حمد و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است و درود بر جدم، سرور رسولان و پیامبر(ص). راست گفت خداوند متعال که فرمود: «آنگاه عاقبت کسانی که اعمال زشت انجام دادند، این بود که آیات الهی را تکذیب نموده و آن را مسخره می کردند».

سپس فرمود:

ای یزید گمان کردی از اینکه ما را گرفتار ساختی و به صورت اسیر در این شهر و آن شهر گردانیدی، این کارها سبب بی مقداری ما و دلیل قدرتمندی تو خواهد بود؟ و خداوند مددکار توست؟

...ای فرزند آزادشدگان، بنگر! این از عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده ها جای دهی، ولی دختران پیامبر را در مقابل نامحرمان به اسارت در آری و آنان را با دشمنانشان در شهرها بگردانی؟ ای یزید با این جنایت عظیم، جز پوست و گوشت خود را پاره نکردی و به زودی که بر پیغمبر وارد شوی، باید پاسخ خون های فرزندان او را بدهی و حرمتی که از اهل بیت (ع) و پاره تن او شکسته ای... پاسخ گو باشی. (طبرسی، ۱۴۰۳ ه. ق: صص ۳۰۷ - ۳۱۰).

## پیامد خطبه های حضرت زینب

### ۱ - خوار نمودن دشمن و حفظ کرامت اعلی بیت (ع)

از جمله روش های زینب کبری (س) در نهضت عاشورا، حفظ کرامت نفس در برابر دشمن به ظاهر پیروز و تحقیر دشمنان اهل بیت (ع) در پیشگاه مردم است. حضرت، در مجلس یزید در خطبه ای خطاب به یزید می فرماید: «این لاستصر قدرک و استعظم تقریعتک؛ (ابن اثیر، ۵۱۳۸۵ ه. ق: ص ۱۰۶) من تو را کوچک می شمارم و بسیار سرزنش و توبیخ می نمایم».

حضرت در جای دیگر، یزید را چنین مورد خطاب قرار می دهد:

"ای پسر آزادشدگان آیا از عدل است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران رسول خدا (ص) را اسیر نموده و آبرو و حرمت آنان را از بین ببری؟! " اصطلاح «ابن الطلقاء» اشاره به ماجرای فتح مکه دارد؛ در این رویداد پس از اینکه معاویه و دیگران به خانه ابوسفیان پناه بردند، رسول خدا (ص) فرمود: «اینها را آزاد کنید؛ اینها برده هایی هستند که ما آزاد کردیم» (ابن اثیر، ۵۱۳۸۵ ه. ق: ص ۱۰۶)

زینب کبری (س) به یزید یادآوری می کند که خاندانش، آزادشدگان پیامبرند و با این کلام پستی دشمن را نشان می دهد. این مسئله برای آگاهی بخشی و بیدار کردن دل های خفته بسیار مؤثر بود تا به یاد آنان آورند که در آخرین لحظات از ترس جان (به ظاهر) اسلام آوردند.

خطبه های زینب (س) پس از عاشورا، کرامت و بزرگواری است و این حفظ کرامت به رسوایی دشمن می انجامد. حضرت، انتظار دلسوزی و رحمت را از فرزند مادری ناپاک، بیهوده می داند و می فرماید: «چگونه می توان به دلسوزی و مهربانی کسی که مادرش جگر پاکان را دریده و گوشتش از خون شهیدان روییده است، چشم امید داشت». (طبرسی، ۱۴۰۳ ه. ق: صص ۱۱۰، ۱۱۲؛ مجلسی، ۵۱۴۰۳ ه. ق: ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ قمی، ۲۴۷)

### ۲ - افشای ماهیت بنی امیه

حضرت زینب کبری (س) برای رسواسازی خاندان بنی امیه، خطاب به یزید می فرماید:

"ای یزید، آرام باش! مگر فراموش کرده ای که خداوند می فرماید: «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُكَلِّمُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُوَلِّی لَهُم لِّیَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ آنان که به راه کفر افتند، گمان نکنند مهلتی اگر به آنان دهیم به حال آنها بهتر خواهد بود. بلکه مهلت برای امتحان است تا به سرکشی خود بیفزایند و آنان را عذابی خوار کننده است".

حضرت با استناد به این آیه، راه کفر را مسیر اصلی حکومت بنی امیه می داند. همان گونه که تاریخ نشان می دهد، بنی امیه به ویژه یزید، اسلام را به صورت علنی زیر پا می نهادند و ستم می کردند. زینب (س) در ادامه سخنانش بدین شکل یزید را مورد خطاب قرار می دهد: «شگفتا که حزب خدا و بزرگان دین به دست حزب شیطان و آزادشدگان کشته شوند و دست نحس آنان به خود پاک ما آلوده شود». این کلام حضرت نیز روشن کننده جایگاه و شأن بنی امیه در نظر اهل بیت (ع) است. افشاگری و معرفی حقیقت فرمانروایان دستگاه اموی، فقط شخص یزید را دربر نمی گیرد. ابن زیاد نیز هنگامی که به حضرت می گوید: «خداوند شما را رسوا کرد و دروغتان را آشکار نمود»، پاسخ می شنود که: «جز این نیست که فاسق و زشتکار رسوا می شود و ناپاک و فاجر، دروغ می گوید و او غیر از ماست». (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ص ۱۰۹) بنابراین، افزون بر استفاده از قرآن، سخنان خود حضرت نیز در آشکارسازی چهره واقعی حکومت نقشی مهم داشت.

### ۳ - کنار زدن نقاب ستم



«این دست های شما به خون های ما آغشته است و دهان های شما از خوردن گوشت خانواده پیامبر (ص) باز است...» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ص ۱۰۹) در این بخش، اشاره ظریف حضرت به تمام ستم ها و حق کشی های بنی امیه و ابوسفیان تا زمان شهادت امام حسین (ع) است. همچنین زینب (س) ثابت می کند که اگر باطل، قدرتی ظاهری دارد، بدان دلیل است که نقاب حق را به چهره گرفته و خود را حامی قرآن و جانشین پیامبر (ص) می داند.

۴- جاودانگی نتیجه های مبارزه

زینب کبری (س) با اطمینان به آینده درخشان قیام امام حسین (ع) و آگاهی از پیامدهای جاویدان و فراگیر آن در تاریخ بشر، خطاب به یزید می فرماید:

«ای یزید، هر چه می توانی در راه دشمنی ما مکر و حيله و نقشه طرح کن و کوشش به خرج بده. به خدا نمی توانی نام ما را از خاطره ها و صفحه تاریخ محو نمایی و فروغ و حی ما را خاموش سازی و از این راه به آرزوی نهایی خود برسی و این ننگ و عار همیشگی را از دامن خود پاک نمایی.» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹)

آن حضرت بر این مطلب تأکید می کند که آثار جاویدان حرکت و جهاد مبارزان راه خدا و آنان که سود شخصی خود را فدای آرمان های مقدس الهی می کنند، به گستردگی تاریخ می درخشد.

۵- نفی نیستی پس از شهادت

حضرت زینب (س) در فرازی از خطبه خویش به مسأله مرگ در راه خدا اشاره می کند و مرگ مجاهد و مبارز را پایان زندگی نمی داند. فریاد سفیر کربلا در اسارت همین است که در منطق حسین (ع)، شکست راه ندارد و شهادت، یک روی سکه و پیروزی روی دیگر آن است. آن حضرت در پاسخ به یاهو گویی های یزید، به آیه زیر تمسک می جوید: «وَلَا تَحْزَنُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹) هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

آن حضرت در دیدگاه مکتبی خود، روح شهادت طلبی را محور حرکت و قیام اسلامی قرار می دهد و آن را رمز پیروزی و بقا و ثبات حکومت اسلامی در تاریخ می داند.

۶- تأیید و تثبیت امامت

یکی از آرمان های بزرگ حضرت زینب (س) در بیان خطبه ها، تأیید و تثبیت امامت می باشد. آن حضرت با اشاره به تسلسل و پیوستگی نهضت پیامبر (ص) و خاندان نبوت بیان داشت که هدایت جامعه پس از رسول اکرم (ص) به امام علی (ع) و سپس به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) رسیده است. به کار بردن عباراتی چون «برادر و وصی رسول خدا (ص) را کشتید و امیر المؤمنین را شهید کردید و برادرم و سیدالشهدا را کشتید» نشانه ای از این هدف است.

### تأثیر تبلیغی اهل بیت امام حسین (ع) در مدت اسارت

پیران اهل بیت (ع) که تبلیغات و فاش کردن جنایات یزید را از کربلا شروع و به مدینه ختم کردند با کمال عزمت و بزرگی روح تمام جزئیات وقایع عاشورا را برای مردمی که آن ها را خارجی و شکست خورده مینداشتند نقل کردند. یزید همانطور که با شهید کردن امام حسین (ع) نتیجه معکوس گرفته و به اهداف واقعی خود نرسیده بود، با اسارت اهل بیت (ع) و بی احترامی به آن ها و جسد های شهدا اشتباه دیگری مرتکب شد که دود آن ابتدا به چشم خود یزید رفت. چون اهل بیت در کوفه، شام و مسجد جامع دمشق، در کاخ یزید و در مدینه خطبه خواندند و صحنه ی عاشورا را طوری ترسیم کردند که گویی همه ی آن ها در آن واقعه شرکت نداشتند.

اهل بیت (ع) در مدت اسارتشان، کاری کردند که جلوی تحریفات عاشورا را گرفتند و به آن ها مجال ندادند که واقعه عاشورا را وارونه و به نفع خود در تاریخ ثبت کنند.

تاریخ، خطبه های حضرت زینب و امام سجاد (ع) را در کوفه و شام به ثبت رسانده است که چگونه آن ها توانستند در یک مدت کوتاه اندیشه مردم را نسبت به یزید تغییر دهند .

حضرت زینب (س) با همان خطبه ی کوتاه خود، چنان انقلابی در مردم کوفه پدید آورد که همگی اظهار پشیمانی و توبه کردند . آن حضرت در خطبه ی خود چنان خطابه ی دلسوزی را ایراد فرمود که قلب هر شنونده ای را به لرزه در می آورد .

آن حضرت در خطبه ی خویش حکومت یزید را رسوا کرد و مردم را در جریان صحیح حادثه کربلا قرار داد و یک نوع خشم و نفرت عمومی علیه فرزند معاویه در دل های مردم شام ایجاد کرد و حکومت بنی امیه را از هرگونه تحریف ناتوان ساخت که بعداً با شعار " یا لثارات الحسین " دست به شورش مقدسی زدند و انتقام خون شهدای کربلا را از قاتلین آن ها گرفتند .

بنابراین اهل بیت سید الشهداء (ع) در مدت اسارتشان چند کار توانستند انجام دهند :

- ۱- در مدت کوتاه اسارتشان توانستند حادثه ی کربلا را به طور صحیح به گوش مردم کوفه و شام و مدینه برسانند تا از تحریف مصون بماند .
- ۲- حکومت بنی امیه را رسوا ساختند و جنایات آن ها را بی پرده برای مردم بیان داشتند .
- ۳- مردم کوفه و شام و مدینه را نسبت به حکومت یزید بدبین ساختند و یک حالت انزجار و نفرت عمومی در آن ها ایجاد کردند .
- ۴- حالت پشیمانی و ندامت در مردم کوفه و شام بوجود آوردند که آن بغض و عداوتی که در دل های مردم کوفه نسبت به آل عصمت و طهارت شده بود ، جای خود را به علاقه و عواطف بدهد .
- ۵- از نهضت خونین کربلا به خوبی پاسداری کردند و آن را تا مدینه تکمیل ساختند .

## نتیجه گیری

حضرت زینب(س) افزون بر ویژگی ها و فضیلت های شخصیتی که از خاندان وحی، به ارث برده بود، در ثمربخش بودن نهضت عاشورا و انتقال آن به نسل های آینده نقش زیادی داشت. وی پیام این قیام عظیم را به گوش همه جهانیان رسانید و دل های غفلت زده را بیدار نمود. آن حضرت هیاهوی تبلیغات دروغین یزید در میان مردم شام را رسوا نمود و زمینه انقلاب را در کوفه و شام فراهم آورد ؛ به گونه ای که یزید با دستپاچگی از کار خود اظهار ندامت کرد و اهل بیت پیامبر(ص) را با احترام فراوان به مدینه بازگرداند . بی شک می توان حضرت زینب کبری (س) را از بزرگترین معلمان حماسه عاشورا دانست که با شجاعت از این انقلاب پاسداری کرد .

## منابع و مآخذ:

۱- قرآن

۲- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۷)، اللهوف علی قتلی اللطوف، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایش، قم: انتشارات نوید اسلام.

۳- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۵ق)، الکامل، بیروت: انتشارات دار صادر.

۴- پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۶)، خطبه زینب کبری (س)، چاپ اول، قم: انتشارات فرهنگ اهل بیت.

۵- شبیری، اعظم، (۱۳۸۵)، سیمای زینب در آیینه تاریخ، چاپ اول، قم: انتشارات هاجر.

۶- شفیع آبادی، عبدالله، (۱۳۷۱)، مبانی روانشناسی رشد، تهران: انتشارات چهر.

۷- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۸- عبدالهی، مهدی، (۱۳۷۹)، چشمه سار کوثر چاپ اول، قم: انتشارات پیام امام هادی (ع).

۹- فرحی، سیدعلی، (۱۳۷۵)، بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

۱۰- فیروزآبادی حسینی، سیدمرتضی، (۱۳۷۴)، الفضائل الخمسه، [بی جا]، انتشارات فیروزآبادی.

۱۱- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

۱۲- محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۷۹)، حضرت زینب فروع تابان کوثر، تهران: انتشارات برهان.

۱۳- میردامادی، سیدباقر، (۱۳۷۵)، پیام عاشورا، چاپ اول، تهران: انتشارات مفید.

۱۴- هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم، (۱۳۶۵)، درسی که حسین به انسان ها آموخت، مشهد: انتشارات هاشمی نژاد.

## زنان عاشورایی و دختران شیطان، بررسی نقش مثبت و منفی زنان در واقعه عاشورا

فایزه اعتمادی<sup>۱</sup>، شادی شفیعی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

shourgashti8672@gmail.com

استاد راهنما: زینب علیزاده

دکترای تاریخ، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد

alizadeh.z2007@gmail.com

### چکیده

با نگاهی کوتاه به حوادث و جنگ های صدر اسلام این حقیقت آشکار می شود که زنان نقش اساسی و بنیادینی چه در بعد "منفی" و چه در بعد "مثبت"، در اتفاقات اجتماعی جامعه ایفا کرده اند. آن چه از بررسی اکثر مقاله ها و کتاب های موجود، در باب نقش زن در عاشورا به چشم می خورد، بررسی شجاعت ها و فداکاری های زنان در جنبه های مختلف همچون شهادت، پرستاری، حفظ ارزش های دینی، حفظ عزت، صبر و... است که در این مقاله با عنوان "زنان عاشورایی" اقدامات ارزنده این زنان به گونه ای مفصل با ذکر نام های زنانی الگو، در ۳ مقطع زمانی، یعنی "قبل از نهضت عاشورا"، "در حماسه عاشورا" و "بعد از قیام عاشورا" معرفی می شود. در این مقاله با رویکردی جدید در کنار معرفی "زنان عاشورایی"، الگویی دیگر از زنان با نام "دختران شیطان" با وجود کمبود منابع، معرفی می شوند. دختران شیطان، زنانی هستند که یا خود از دختران شیطان بودند و آگاهانه در برابر حق موضع داشتند و یا این که پیروان فریب خورده شیطان بودند و با هوس های جنسی، ثروت، تجمل و بی عفتی ضربه های مهلک بزرگی را به اسلام و اهل بیت (ع) وارد کردند. اقدامات این زنان نیز در همان ۳ مقطع، مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژه ها: زنان، عاشورا، دختران، شیطان

## مقدمه

در اصل کرامت انسانی، زن و مرد یکسان اند و آن ها که مقام والای زن را تحقیر می کنند، از تعالیم اسلامی بهره ای نبرده اند. قبل از اسلام به اقتضاء جاهلیت، جسم فیزیکی زن را زنده به خاک می سپردند و در جاهلیت مدرن، او را ملعبه دست هوسراران قرار می دهند و هستی با ارزش زن را به کالایی فاقد ارزش مبدل می کنند. (جوهری، محمودرضا، ۱۳۸۱)، *زنان شجاع و حماسه ساز در نهضت عاشورا*، انتشارات خیرالبریه، چاپ اول، صص ۶۰۷. بنابراین، ارزش زن به همت والای او بستگی دارد که خویش را بشناسد و با درک شخصیت خود به هویت ارزشمند انسانی خویش که در قرآن بدان اشاره شده پی ببرد، که در این صورت با شناخت خود می تواند جامعه پیرامونش را اصلاح کند و گرنه با ابزار افسونگری و عشوه گری خود می تواند جامعه را به فساد بکشانند.

حضور مثبت و فعال زنان در نماز عید در زمان پیامبر (ص)، (عاملی، حر، ۱۳۹۱)، *وسائل الشیعه*، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، صص ۱۳۳ در غزوات (ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۸۰)، *شرح نهج البلاغه*، دار الرشاد الحدیث، صص ۳۷۸، غدیر خم و حضور منفی در جنگ جمل و احد (آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۸۰)، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: نشر کتابخانه صدوق، صص ۳۱۷، ۳۰۸ و در واقعه عاشورا - در بعد مثبت و منفی- در بردارنده تاثیر پر رنگ و بی چون و چرای زنان در وقایع جامعه است. البته با توجه به اهمیت موضوع "عاشورا و قیام امام حسین (ع)" در این مقاله، نقش زن در این مقطع حساس تاریخ مورد بررسی قرار می گیرد.

به راستی ابا عبدالله الحسین چه چیزی را می خواست متحول سازد و برای این کار چگونه نیروی انسانی خود را سازمان دهی کرد؟ هدف او از بردن زنان و فرزندان خود به صحرای جنگ چه بود؟ "زنان عاشورایی" چگونه با فداکاری های خود و تحمل مصائب در واقعه عاشورا در رکاب امام و یاران او نقش آفرینی کردند؟ "دختران شیطان" چگونه با ابزار افسونگری، هوسبازی و شهوترانی خود مردان را از هدف اسلام راستین دور ساختند و امام را در صحرای کربلا تنها گذاشتند؟

اگر شهادت حسین بن علی (ع) صرفاً یک جریان خون آور می بود، اگر صرفاً این بود، خونی به ناحق ریخته شده، هرگز چنین آثاری را در عالم اسلام به بار نمی آورد. حسین بن علی (ع) با حرکت خود احساس بردگی و اسارتی را که از اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکم فرما بود، تضعیف کرد و به اجتماع اسلامی "شخصیت" بخشید. پس می توان گفت اگر حسین بن علی (ع) برای هدف های راستین خود قیام نمی کرد، بعید نبود اجتماع اسلامی، منش و هدف مستقل خود را فراموش کرده و خواه ناخواه در ملتهای دیگر جذب شود و هویت اسلامی خود را به فراموشی سپرد. (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵)، *حماسه حسینی*، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم، صص ۱۶۲.

بحثی درباره نقش زن در تاریخ مطرح است که آیا اساساً زن در ساختن تاریخ نقش دارد یا نه؟ آن چه که تحقیقات تاریخی و ملاحظات روانی ثابت کرده است، این است که زن در ساختن شخصیت مرد بیشتر موثر است تا مرد در ساختن زن. بدین جهت است که تاثیر غیر مستقیم زن در تاریخ غیر قابل انکار است. می گویند زن مرد را می سازد و مرد تاریخ را. (مطهری، ۱۳۷۵)، صص ۳۱۹. نگاهی به نقش آفرینی زنان در مقاطع مختلف تاریخی به خوبی تفاوت دیدگاه غرب و اسلام درباره زنان را به نمایش می گذارد. انبیا و اولیا در راس دینداران و طاغوت ها و مستکبران در راس دنیامداران بر رفتار قشر زن تاکید ورزیده اند. این چالش بزرگ - که زن جامعه و خانواده را به اصلاح و یا به فساد کشانده است تا کدام نظر حاکم باشد- تفاوت خود را در نقش ها نمایان ساخته است.

**زنان عاشورایی** نماد نگرش و رفتار توحیدی به قشر مظلوم زنان فداکار و شجاع هستند و **دختران شیطان** بروز و ظهور زشتی ها و تاریکی ها در تاریخ بشرند که تسلیم گری شان، پستی های مردان شهوت پرست را پر کرده است. به هر روی در این مقاله تلاش شده است، نقش مثبت و منفی زنان را که برخاسته از این دو نگرش و دو تربیت ممتد در تاریخ بشری است را در یک مقطع حساس به نام عاشورا مورد بررسی قرار دهد، که عاشورا نماد تمام زمان ها و مکان هاست.

## ۱. نقش زنان قبل از واقعه عاشورا (نقش غیر مستقیم بانوان)

نقش زنان در این مقطع از دو جهت قابل بررسی است: تربیت فرزندان غیور و تشویق شوهران خود به حضور در نبرد. مردانی که در قیام عاشورا حماسه آفریدند، تربیت شده زنان فداکار، مومن و شجاعی بودند که این چنین فرزندان غیوری را تحویل نهضت حسینی دادند و غیر مستقیم در قیام پیشوای خود شریک

شدند. زنان علاوه بر تربیت حماسه سازان کربلا در جهت تشویق و ترغیب شوهران و فرزندان خویش چه قبل عاشورا و چه در گிரانگیر نبرد سهم بسزایی داشته اند. بررسی شخصیت تک تک این زنان و میزان تاثیر تربیت آن نیازمند بحث مستقلی است که از هدف این نوشتار خارج است. در اینجا برای روشن شدن موضوع به چند نمونه اشاره می کنیم:

#### الگوی ۱: دلهم، همسر فداکار زهیر

زهیر بن قین، از دوستان امام حسین (ع) به شمار نمی رفت، او از طرفداران عثمان بود و همواره از رویارویی با امام حسین (ع) طفره می رفت. (امین، سیدمحسن، ۱۳۶۶)، سیره امامان فی رحاب / نامه اهل بیت، انتشارات ارشاد. ص ۱۳۰) امام حسین (ع) شخصی را نزد زهیر فرستاد و او را احضار نمود. او در حالی که با رفقا و همراهانش سر سفره بود از جواب دادن اجتناب نمود. دلهم با روشی ارشادی به شوهرش گفت: سبحان الله، آیا شرم نداری فرزند پیغمبر تو را می خواند اجابتش نمی کنی؟! (امین، ۱۳۶۶)، ص ۴۲۷) زهیر بی آنکه خوشش بیاید، به نزد حضرت رفت. دیری نپایید با شادی و چهره ای درخشان بازگشت، در حالی که به کلی عوض شده بود. زهیر دستور داد که خیمه او را بکنند و در کنار امام حسین (ع) بر پا کنند (طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر. ص ۳۰۲)

#### الگوی ۲: همسر کعب بن جابر

قاتل بریر، آن صحابی معروف امام حسین (ع) بعدها به او گفت: علیه فرزند فاطمه اقدام کردی و کار بسیار زشتی مرتکب شدی. به خداوند قسم بعد از این با تو سخن نخواهم گفت. (جواهری، ۱۳۸۱)، ص ۳۹) (بهزادپور، سیمین دخت، ۱۳۸۴)، نقش آفرینی زنان صحابه در حماسه عاشورا، مباحث بانوان شیعه، شماره ۳. ص ۲۵۲)

#### الگوی ۳: رمله همسر امام حسن و مادر حضرت قاسم

رملة مادر قاسم بن حسن از بانوان دشت کربلاست. بودن این مخدره در کربلا نزد ارباب مقاتل، مسلم است. مجلسی می نویسد قاسم، فرزند رمله در جنگی دلاورانه به شهادت رسید. وی صاحب همان سخن معروف "احلی من العسل" است که مرگ را شیرین تر از عسل می دانست. در حالی که در روز عاشورا به بلوغ نرسیده بود که نشان از تربیت مادری شجاع و آگاه دارد. (یزدان پناه، زهره، ۱۳۸۳)، زنان عاشورایی، انتشارات هلال، چاپ اول. ص ۵۰)

### ۲. نقش زنان در واقعه عاشورا (نقش مستقیم بانوان)

زنان عاشورایی علاوه بر نقش غیرمستقیمی که در حماسه کربلا داشته اند خود نیز گاه در جبهه مبارزه بوده اند، گاه در کسوت پرستاری و غمخواری و گاه در نقش پیام رسانی. لذا در هر موقعیت مناسب ابزار متناسب با آن شرایط را عهده دار بوده اند. در اینجا به چند مورد از فداکاری های زنان در حادثه خون بار عاشورا می پردازیم:

#### ۱.۲. مشارکت زنان در مبارزه، جهاد و شهادت

شرکت زنان در جبهه پیکار و همراهی با نهضت امام حسین (ع) و مشارکت در ابعاد مختلف آن از جلوه های حضور زنان در عرصه نهضت عاشورا و تداوم آن می باشد. همکاری زنانی مانند طوعه در کوفه با نهضت مسلم بن عقیل، همراهی همسران برخی از شهیدان کربلا و مبارزه آنان مانند همسر مسلم بن عوسجه (ام خلف)، ام وهب، ام عمرو بن جناده، حتی نوشیدن شربت شهادت توسط ام وهب و اعتراض و انتقاد برخی از همسران سپاه کوفه به جنایت های شوهرانشان در سپاه بنی امیه مانند همسران خولی از مصادیق حضور زنان در جبهه مبارزه، جهاد و شهادت است. (یزدان پناه، ۱۳۸۳)، ص ۶۷) (مشکوری، مرضیه، ۱۳۷۷) زنان و نهضت حسینی، فرهنگ کوثر، شماره ۱۴، ص ۵۹) (بهزادپور، ۱۳۸۴)، ص ۲۵۵)



الگوی ۴: صفیه، خواهر حمزه و عمه بزرگوار پیامبر

صفیه در غزوات شرکت فعالی داشت. در جنگ خندق چشمش به جاسوسی از یهودیان افتاد. مردی به نام حسان از مسلمانان کنار صفیه بود به او گفت: حسابش را برس. گفت: مگر به تنهایی می شود؟ صفیه خونسش به جوش آمد، ستون خیمه را برداشت. چنان با او نبرد کرد که بالاخره او را کشت! او با فداکاری خود ثابت کرد نخستین زنی است که مردی را به خاک و خون افکنده است. (جواهری، ۱۳۸۱)، ص ۱۴)

الگوی ۵: بحریه دختر مسعود خزر جی

یکی از زنانی که در کربلا به میدان رزم قدم نهاد و به کارزار پرداخت، بحریه دختر مسعود خزر جی است. وی همسر جناده و مادر عمرو بن جناده است. هنگامی که همسر وی در کربلا به شهادت رسید، او فرزندش را به خیمه فرستاد تا با اجازه آن حضرت به میدان رزم رود. (طوسی، محمدحسین، ۱۳۹۰)، عملکرد زنان در نهضت عاشورا، کوثر معارف، شماره ۱۹، ص ۲۴۳.

الگوی ۶: ام وهب

شیخ صدوق از زنی به نام ام وهب یاد می کند که مسیحی بود و همراه فرزندش نزد امام حسین (ع) آمده و مسلمان شدند. (صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق)، الامالی، تهران: انتشارات اسلامیه، ص ۱۳۷)

چون فرزندش در روز عاشورا به شهادت رسید، سرش را بردند و به سمت خیمه یاران امام حسین پرتاب کردند. ام وهب سر فرزندش را برداشت و آن را به سمت دشمن انداخت. سر وهب به مردی اصابت کرد و او را کشت. سپس عمود خیمه را گرفت و حمله کرد و ۲ تن از سربازان را کشت. (طوسی، ۱۳۹۰)، ص ۲۴۷)

## ۲.۲ آموزش صبر و مقاومت و روحیه بخشی

در مقابل فرومایگی های دشمن در غارت خیم و آتش زدن آنها پس از شهادت حضرت اباعبدالله و اصحاب و یاران وفادارش، کتک زدن زنان و کودکان، تاخت و تاز دشمنان با اسب به روی اجساد مطهر شهدا و مشاهده این مناظر توسط زنان و کودکان، اسارت اهل بیت، تنهایی کودکان، عبور کاروان اسرا از قتلگاه شهدا، رنج و تعب سفر اسارات، حضور در مجلس این زیاد و سفر به شام و حضور در بارگاه یزید در غل و زنجیر تنها چیزی که امیدبخش زنان و کودکان داغدار بود، صبر و مقاومت زنان با تاسی بر صبر حضرت زینب (س) بعد از امید به خداوند متعال بود. (یزدان پناه، ۱۳۸۳)، ص ۷۰)

## ۳.۲ پرستاری، مراقبت و حمایت

رسیدگی به بیماران و مداوای مجروحان، جمع آوری کودکان پراکنده در بیابان، حمایت از زنان در مقابل تعدی های دیگران از نقش های دیگر زنان در جبهه ها از جمله عاشورا است. نقش پرستاری و مراقبت حضرت زینب از امام سجاد (ع) از این نمونه هاست. (یزدان پناه، ۱۳۸۳)، ص ۷۶)

الگوی ۷: اسماء بنت خارجه

سیدابن طاووس به نقل از نویسنده کتاب مصباح می گوید: حسن بن حسن معروف به مثنی در مقابل امام حسین (ع) در ظهر عاشورا جنگید و ۱۷ نفر را کشت. در حالی که ۱۸ جراحت و زخم بر بدنش وارد شده بود، از پای درآمد. دایه حسن، اسماء بنت خارجه که در کربلا حضور داشت او را برداشته و به کوفه برد. بر دو

قسمت درمان و مراقبت قرار داد تا آنکه سلامت خود را بازیافت. (حلی، ابن طاووس، (۱۳۸۰)، *للّهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه ی عباس عزیزی، انتشارات صلا، چاپ اول، ص ۱۹۹)

الگوی ۸: زینب دختر علی بن ابی طالب (ع)

محدث قمی در ضمن وقایع عصر عاشورا از کتاب اخبار الدول نقل می کند، که وقتی آن بی شرمان به خیمه های امام ریختند و غارت خیمه ها را آغاز کردند ، شمر بن ذی الجوشن پیش آمد و آهنگ قتل علی بن حسین (ع) کرد که در آن زمان بیمار بود، در این هنگام زینب دختر علی بن ابی طالب بیرون آمد و گفت: به خدا سوگند نمی گذارم او را بکشید مگر اینکه من هم کشته شوم. شمر که او را اینگونه دید، از کشتن آن حضرت صرف نظر کرد. (قمی، عباس، (۱۳۷۳)، *نفس المهموم*، ترجمه: محمد باقر کمره ای، انتشارات مکتب بصیرتی، ص ۲۰۰)

## ۴.۲ روحیه بخشی و عظمت روحی زنان در عاشورا

زنان صحابه در روز عاشورا برای حمایت از امام خود ، خروش می نمودند و از عصر عاشورا با سکوت خود، قیام خاندان اهل بیت را حمایت کردند. زنان در وداع عزیزان خود اشک بسیار نریختند و کودکان را در مقابل گرسنگی به صبر تشویق کردند و آنها را از مقابل مجاهدان دور نگه داشتند، تا بی تابي آنها مقاومت دلیر مردان را در هم نشکنند. حتی زمانی که طفل شیرخوار امام حسین (ع)، علی اصغر را با تیر سه شعبه شهید کردند، رباب مادر علی اصغر پیش نیامد و امام خواهر خود زینب را خواند و فرزند خود را به او داد. (بهزادپور، (۱۳۸۴)، ص ۲۵۸، ۲۵۹)

## ۵.۲ پاسداری از ارزش های دینی

وظیفه دیگر زنان قهرمان در کربلا حفظ ارزشهای دینی و اعتراض به هتک حرمت خاندان نبوت و رعایت عفاف و حجاب در برابر چشم های آلوده بود. زنان اهل بیت با آن که اسیر بودند و لباس ها و خیمه هایشان غارت شده بود، اما اعتراض کنان به حفظ عفاف تاکید می ورزیدند. ام کلثوم در کوفه فریاد کشید که آیا شرم نمی کنید برای تماشای اهل بیت جمع شده اید؟ وقتی هم در کوفه در خانه ای بازداشت بودند، زینب (س) اجازه نداد، جز کنیزان وارد آن خانه شوند. (یزدان پناه، (۱۳۸۳)، ص ۸۳)

## ۶.۲ حفظ عزت

زمانی که کاروان اسرای اهل بیت وارد کوفه شد، مردم که برای دیدن و تماشای اسرا در خیابان ها آمده بودند، هنگام عبور اسرا اهل کوفه به کودکان نان و خرما و شیر می دادند. ام کلثوم فریاد زد: ای مردم صدقه بر ما حرام است و نان و خرما را از کودکان گرفته و بر میان آنان پرتاب کرد و بر زمین ریخت. آنان با این عمل عزت و کرامت و شرافت خود را حفظ کرده و با تمامی سختی ها و گرسنگی حاضر به پذیرفتن هیچ گونه نان و خرمایی حتی برای کودکان گرسنه نمی شدند. (احمدوند، فاطمه، (۱۳۸۷)، *جایگاه زنان در نهضت عاشورا*، قم: انتشارات تبیان، ص ۱۶)

## ۳. نقش زنان در زنده نگه داشتن نهضت عاشورا (تاثیر بانوان پس از قیام)

از محورهای اصلی حضور زنان در نهضت عاشورا، رسالت مهم پیام رسانی همراه با حفظ ارزش های اسلامی است. چارلز دیکنز در کتابش می نویسد: اگر منظور امام حسین (ع) جنگ در راه خواسته های دنیوی خود بود ، من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش را به همراه برد؟ (هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، (۱۳۸۳)، *درسی که حسین به انسانها آموخت*، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ص ۴۴۱)

بنی امیه سعی داشتند اهل بیت را خارجی معرفی کنند و عمل خود را در کشتن و اسارت زن و فرزند و مردم شام و کوفه زیبا جلوه دهند. روشنگری های زنان در مسیر اسارت همراه با رعایت حجاب و عفاف این سوال را در اذهان ایجاد می کرد که اگر این اسرا خارجی هستند، چگونه به حفظ ارزش های اسلامی و عفاف خود تاکید دارند و اعتراض ایشان برای حفظ حجاب، چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ (طوسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲)

### ۱.۳ پیام رسانی همراه با حفظ ارزش ها

به نقل شیخ مفید، پس از کشته شدن امام حسین (ع) و غارت خیمه های حرم رسول خدا (ص) چشم زنان و دختران به عمر سعد افتاد. ایشان گریستند و از او خواستند که آنچه را از آنان غارت شده به آنان برگرداند، تا بوسیله آن خود را بپوشانند. (طوسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳)

الگوی ۹: سکینه بنت حسین (ع)

سهل بن سعد، که از اصحاب رسول خدا (ص) بود، نقل می کند: هنگامی که وارد دمشق شدم و از ورود آل رسول الله (ص) با خبر گردیدم، نزد ایشان رفتم تا شاید حاجتی از ایشان برآورده کنم. از دختری پرسیدم: کیستی؟ گفت: سکینه بنت حسین. از او سوال کردم چیزی نمی خواهی؟ من سهل بن سعد هستم که جدت را دیدم و حدیثش را شنیدم. سکینه گفت: ای سهل، به شخصی که راس (یعنی سر امام حسین) را حمل می کند، بگو جلوتر از ما راه برود تا مردم به تماشای سر مشغول شوند و ما را نگاه نکنند، زیرا ما حرم خاندان رسول الله هستیم. (مقرم، عبدالرزاق، ۱۳۹۴ق)، مقتل الحسین، قم: انتشارات مکتبه بصیرتی، ص ۶۱)

### ۲.۳ روایتگری واقعه عاشورا

امویان کوشیدند تا پس از واقعه کربلا این اندیشه را در ذهن عناصر ناتوان رسوخ دهند که امام حسین (ع) در عراق بر ضد خلیفه مسلمین شورش کرده است و جز با کشته شدن ایشان، خلیفه نمی توانست از تفرقه مسلمین جلوگیری کند. به همین دلیل روز عاشورا را جشن گرفتند تا مردم آن واقعه حزن انگیز را فراموش کنند و بنی امیه را از پیامدهای ناگواران جنایت در امان گذارند. در این سفر پر مشقت، زنان و بستگان حضرت در عین تحمل سختی ها، وظیفه نقل جز به جز واقعه عاشورا را برای مردمان دور شده از حقیقت بر عهده گرفتند. "چنان که زینب (س) در تهمت ابن زیاد به دروغگویی امام حسین (ع) فرمود: سپاس خدایی را که ما را به وسیله پیامبرش (ص) گرامی داشته و از پلیدی پاک کرده است". (ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، ۱۴۰۳ق)، تذکره الخواص، بیروت: انتشارات موسسه اهل بیت، ص ۲۳۲)

الگوی ۱۰: زینب دختر عقیل بن ابی طالب

یکی از زنانی که با سرودن اشعار حزن انگیز خاطره فاجعه کربلا را زنده نگه داشته است و با بیانات خود احساسات دیگران را برانگیخت، زینب دختر عقیل بن ابی طالب است. وی از زنانی است که در قیام امام حسین (ع) مصیبت های فراوان دید. مسلم بن عقیل برادر وی، فرستاده امام حسین (ع) قبل از حادثه عاشورا در کوفه به شهادت رسید. (طوسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵، ۲۵۶)

### ۳.۳ عزاداری زنان و یادآوری نهضت عاشورا

اقامه عزای حسینی و تداوم این سنت در تهییج احساسات دینی بانوان مسلمان نقش غیر قابل انکاری داشت. از ابتدای اسلام، عزاداری صرفاً در جهت سوگواری برای کشتگان بود، ولی بدون تردید عزاداری برای شهدای کربلا، به ابزاری قاطع برای مبارزه با ستمگران و غاصبان تبدیل شده بود، همچنان که پس از کشته شدن قاتلان امام حسین(ع) پیداست که بیان مصائب تا چه حد زنان مسلمان آن دوره را به دفاع از حق و اهل بیت(ع) متوجه می ساخت.

الگوی ۱۱: ام البنین

شهید مطهری می نویسد: ام البنین خودش یک وسیله تبلیغ علیه دستگاه بنی امیه بود. هر کس که می آمد از آنجا عبور بکند، متوقف می شد و اشک می ریخت. مروان حکم که یک وقتی حاکم مدینه بود و از آن دشمنان عجیب اهل بیت است، هر وقت می آمد از آنجا عبور کند، بی اختیار می نشست و با گریه این زن می گریست. (مطهری، ۱۳۷۵)، ص ۲۵۸

## ۲. بررسی نقش منفی زنان در واقعه عاشورا

در واقعه کربلا در مقابل زنان عاشورایی، زنانی نیز بودند که یا خود از دختران شیطان محسوب می شدند و آگاهانه در برابر حق موضع داشتند و یا اینکه پیروان فریب خورده دختران شیطان بودند و با یک اتحاد پنهانی، علیه حق ستیزه می کردند و بطور مستقیم و غیرمستقیم در حوادث نقش داشتند. الگویی که این گروه برای لذت جویی، هوس های جنسی، ثروت، تجمل، بی اعتنائی به عفت، آلوده کردن مردم داشتند، زنان و دختران امیه بود به طوری که پیروان چنین زنانی، صریحاً در میان جمع مردم و حتی در برابر فرزند و رسول خدا(ص)، امام باقر(ع) اعلام کردند: ما مردان را به لذت بردن، به عیش و عشرت پرداختن، خوش خوابیدن دعوت می کنیم. (محلّاتی، ذبیح الله، ۱۳۶۹)، ریاحین الشریعه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول. صص ۳۰۲-۳۰۳

"دختران شیطان به تدریج به عنوان نماینده و مظهر دنیا، و به عنوان دشمن و دام شیطان ظاهر شدند. ما می خواستیم راه محمد(ص) و خدیجه(ع) و زهرا(ع) ادامه یابد و آنها می خواستند همه را به گذشته بازگردانند و راه ابوسفیان ها، هندها(زن ابوسفیان و مادر معاویه)، حمامه ها(مادر بزرگ معاویه)، نابغه ها(مادر عمرو بن عاص) که همگی از زنان بدکار دوره جاهلیت بودند را زنده کنند". (محلّاتی، ۱۳۶۹)، صص ۳۴۲-۳۴۵-۳۵۹

## ۱.۲ کربلا و فرزندان نامشروع دختران شیطان

چرا بارها نوشته و گفته اند که قاتلان امام حسین(ع) و صحنه گردانان اصلی فاجعه عاشورا همگی زنازاده بودند؟ آیا این موضوع ساخته و پرداخته ذهن مورخان است؟ یا شیعیان به دلیل کینه ای نسبت به قاتلان امام دارند، مطرح کرده اند؟ نه، اصلاً اینطور نیست در آن زمان نسب شناسان و آن پیرانی که ماجرای پیش از اسلام و حوادث بعد از اسلام را با چشم خود دیده بودند، بر زنازاده بودن و مشکل نسبی داشتن صحنه گردانان اصلی فاجعه عاشورا تاکید داشتند، برای نمونه:

۱. در روز عاشورا در همان دقایقی که جنایتکاران، اسیران کربلا را از کنار قتلگاه عبور می دادند، حضرت زینب(ع) بر زنازاده بودن قاتلان امام حسین(ع) تاکید کردند. (حلی، ابن طاووس، ۱۳۸۵)، آمی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه ی سید احمد فهری زنجانی، تهران: بین الملل. صص ۱۴۲ و ۱۴۳ (قمی، ۱۳۷۳)، ص ۴۷۶

۲. رباب، همسر بزرگوار امام حسین(ع) هنگامی که اسرای کربلا را به دربار ابن زیاد در شهر کوفه بردند، بدون هیچ ترسی در مقابل ابن زیاد از بی اصل و نسب بودن قاتلان امام حسین(ع) به میان آورد. (آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶)، بررسی تاریخ عاشورا، تهران: نشر کتابخانه صدوق، چاپ ششم، صص ۱۶۶-۱۶۸

۳. یک بانوی هاشمی در برابر یزید؛ خطاب به سر مبارک امام حسین(ع) گفت: «... ای کسی که به دست زنازادگان و فرزندان نامشروع کشته شده ای». (ابن طاووس، ۱۳۸۵)، صص ۱۸۵-۱۸۸

۴. ده نفری که داوطلبانه بر پیکر پاک امام حسین(ع) اسب تاختند، زنازاده بودند و پدر مشخصی نداشتند. (ابن طاووس، ۱۳۸۵)، صص ۱۴۵-۱۴۶

۵. عمر بن سعد بعدها اعتراف کرد که صحنه گردانان اصلی فاجعه کربلا زنزاده بودند و او فریب آنها را خورد. (قمی، (۱۳۷۳)، ص ۵۳۴)

۶. امام حسین (ع) دشمنانش را کنیز پرست و زن پرست خطاب کرد. زمانی که در صحرای کربلا، امام برای هدایت و بازداشتن آنها از شرارت سخنرانی کرد و آنان اعتنایی نکردند، امام برای آنها خصلت و ویژگی هایی برشمرد و فرمود: «ای کنیز پرستان! ای کسانی که به قرآن اعتنایی ندارید...» (قمی، (۱۳۷۳)، ص ۳۰۸)

همین تعبیر کوتاه امام حکایت از این می کند که در آن زمان، دختران شیطان و آنهایی که آگاهانه یا ناآگاهانه از آنها پیروی می کردند، در تکاپوی شگفت انگیزی افتاده و توانسته بودند ذهن و روح بسیاری از مردان را به سوی دنیا و فتنه های آن و هوس ها بکشانند. امام فرموده اند: «زنزاده و فرزند زنزاده، مرا میان کشته شدن و یا پذیرش ذلت مختار و مخیر کرده است و من هرگز راه ذلت را برنمی گزینم». (مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۸)، جلاء العیون؛ تاریخ زندگی چهارده معصوم (ع)، مشهد: نشر نوند، ص ۶۶۰)

روی هم رفته می توان گفت یکی از عوامل مهم شرارت کوفیان، فرمان بردن از دختران شیطان و زنان شیطان صفت بوده است؛ یعنی اینکه زن گرایی و دل سپردن به تمایلات دنیاگرایانه و هوس آلود زنان شیطان صفت و آنهایی که مردان را به چیزی غیر از شهوت و مظاهر پست دنیایی فرامی خوانند، عامل چشم گیری در شرارت و جنایت آفرینی دشمنان امام بوده است. فرزندان نامشروع دختران شیطان بودند که فاجعه کربلا را به وجود آوردند و این زنان حداقل به صورت غیر مستقیم در کربلا فاجعه به بار آوردند. در این جا به چند نمونه بارز نقش منفی زنان در قبل عاشورا، زمان عاشورا و بعد عاشورا به طور مختصر اشاره می کنیم:

## ۲.۲ نقش منفی زنان قبل از حماسه عاشورا (نقش غیرمستقیم)

اهل حق در پی گستراندن حقیقت در جهان بوده اند و حامیان باطل نیز نگران از آنکه قدرت یا مکتب خویش از کف دهند با حامیان حق سرستیز داشته اند. در هر دو جناح نیز بارها حضور زنان را همچون مردان شاهد بوده ایم. سلیم بن قیس روایت می کند: «آنگاه که معاویه بر سریر قدرت نشست و حکومت بلامنازع او در سراسر گستره مملکت اسلامی آن روز تثبیت شد، فرمانی به تمام کارگزاران خود ابلاغ کرد مبنی بر آنکه احادیثی در مدح معاویه و در بیان فضایل و سوابق او جعل نموده به همگان آموزش دهند. در پی این دستورالعمل تمامی حاکمان و قاضیان آن عصر یا با طمع به زر معاویه و یا از ترس قدرت او روایات بسیار در این زمینه از خود ساختند و در هر مسجد و اجتماعی در محلات مختلف بر همگان خواندند. پس از آنکه معلمان وظیفه یافتند تا آن احادیث را به کودکان بیاموزند به همان میزان که می کوشند تا به کودکان قرآن بیاموزند. از جمله دستورالعمل های آنان این بود که تمامی دختران و زنان می بایست این احادیث را یاد گیرند و بدینگونه حضور زنان مدافع معاویه در میان مسلمین چشمگیر شد». (طبری، (۱۳۶۲)، صص ۳۷۳-۳۷۱)

۱.۲.۲ عمره دختر عبدالرحمان بن سعد انصاری

زمانی که امام حسین (ع) از مکه عازم کوفه می گردند، زنی به نام عمره دختر عبدالرحمان بن سعد انصاری که از هواداران بنی امیه بود، نامه ای به امام حسین (ع) نوشت و کوشید تا آن حضرت را از حرکت به کوفه باز دارد. (مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، صص ۴۰۶-۴۰۳)

## ۳.۲ نقش منفی زنان در نهضت عاشورا

در این موقعیت بسیار حساس، زنان نقش تعیین کننده ای در شکست قیام کوفه جهت حمایت از امام حسین (ع) داشتند. با تلاش وسیعی که شیعیان در کوفه نمودند، دهها هزار نفر آماده پذیرش وجود مبارک امام حسین (ع) گردیده بودند و نماینده آن حضرت، مسلم بن عقیل انسجام خوبی به این جمعیت داده بود. آنگاه که این زیاد در کوفه کوشید تا به هر وسیله ممکن این اجتماع را پراکنده سازد، نهایتاً با استفاده از وجود زنان در اجرای طرح خویش موفق گردید. ابومخنف نقل می کند که ابن زیاد توسط مأموران خود به گوش خانواده محاصره کنندگان قصر رساند که اگر تا شب همگی در خانه نباشند هر که در سطح شهر یافت شود، کشته خواهد شد. پس از این تهدید بود که زنان بسیاری از خانه ها بیرون ریخته و از سر زبونی و ذلت دست پسران و برادران و یا همسر خویش را گرفته و به

سمت خانه می کشاندند و می گفتند: دیگران به اندازه کافی هستند. در عرض مدت کوتاهی جمعیت چند هزار نفری محاصره کننده متفرق شدند و چنان شد که وقتی نماینده امام حسین (ع) به مسجد آمد، فقط سی نفر همراه او نماز مغرب به جا آوردند. (کشی، محمدبن عمر بن عبدالعزیز، (۱۳۸۲)، رجال کشی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۱۴۷) اگر آن زنها به جای باز داشتن مردان از جهاد و مبارزه با باطل، آنها را تشویق به یاری نماینده امام می کردند، در روند ماجرا تغییرات جدی پدید می آمد.

حضرت زینب (ع) هنگام ورود به به کوفه فرمودند: «هیچ زن عرب نژادی حق ندارد به دیدار ما بیاید. این سخن حکایت از ناخشنودی ایشان از عموم زنانی است که تحت تاثیر دختران شیطان قرار گرفته و اگر عموم زنهای کوفه تحت تاثیر القائنات دختران و پسران شیطان قرار نگرفته بودند، به راحتی می توانستند همسر، برادر یا پدر خود را از همراهی یزید و ابن زیاد باز دارند.» (ابن طاووس، (۱۳۸۵)، صص ۱۷۰-۱۷۱)

## ۴.۲ نقش منفی زنان بعد از واقعه عاشورا

اگر آن زمان امام حسین (ع) پرچم عزت برافراشته بود، مردم فریب دختران و پسران شیطان نخورده بودند و مظاهر فریبنده دنیا عقل هایشان را تباه و ایمانشان را سطحی و نازک نکرده بود، کارشان به جایی نمی رسید که مجبور شوند نطفه های نامشروع را در رحم زنان و دخترانشان تحمل کنند و عزتشان چنان بر باد رود که تا سالها نتوانند بر عفت دخترانشان اطمینان داشته باشند. (ولایت. قدر، (۱۳۸۱)، زنان عاشورایی و دختران شیطان، تهران: نشر موسسه قدر ولایت، ص ۲۴)

در دومین سالروز عاشورا، به خاطر آگاهی مردم از پلیدی یزید و به دنبال اعتراضات آنها، یزید سی هزار نفر را مامور سرکوب مردم مدینه کرد. این سپاه علاوه بر کشتار مردم، زنان و دختران مدینه را در خانه ها مورد تجاوز قرار دادند. هزار نفر از دختران و زنانی که شوهر نداشتند، فرزندان نامشروع به دنیا آوردند و زنان شوهردار مشخص نبود که نوزادشان از نطفه شوهرشان است و یا نه. (ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، (۱۳۶۹)، البدایه والنهایه، بیروت: مکتبه المعارف، ص ۱۵۵) (یعقوبی، ابن واضح، (۱۳۴۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدآیتی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۱۳۳)

### ۱.۴.۲ معشوقه ولید بن یزید بن عبدالملک

از دختران شیطان به تشویق پسری از پسران ششیطان، با تنی ناشسته از پلیدی شهوت و جنایت، به مسجد رفت و امام جماعت مسلمانی شد که در جهل غوطه ور و غیرتی برایشان نمانده بود. ولید سوگند یاد کرد که آن روز کسی غیر از معشوقه اش امام جماعت نشود و او را با همان حالت نجاست به سوی مسجد فرستاد. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۶۸)، برگزیده الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی، صص ۷۲۸-۷۳۳)

## نتیجه:

گرچه حماسه ها و نقش آفرینی زنان عاشورایی در حادثه عظیم کربلا بیش از آن است که گفته شد، اما به ناچار باید از طولانی کردن سخن پرهیز کرد. در پایان ذکر ۳ نکته ضروری است:

۱. در این مقاله از حماسه های زنان اهل بیت و زنان منسوب به آنان سخنی گفته نشد و فقط حکایت زنانی را که پیرو و دوستدار اهل بیت بودند، مطرح کردیم. این مسئله به این دلیل است که موضوع حماسه ها و نقش آفرینی های زنان اهل بیت مفصل است و شکوه و ویژگی های دیگری دارد که باید جداگانه و به طور دقیق به آن پرداخته شود.
۲. با تامل در رفتار و حکایت های زنان شیطانی و زنان عاشورایی، این نکته روشن می شود که زنان تا چه حد می توانند تاریخ ساز باشند و در حوادث مختلف نقش آفرینی کنند. بنابراین اگر دشمنان بگذارند که زن خسته قرن، اهل بیت را بشناسد و شخصیت خود را در مکتب آنان پرورش دهد، چنان جلوه ای از این مکتب بروز خواهد نمود که در تالوآن، دل ها جذب گردد و عقل ها حق را بیابند. حقیقت اصلی این است که هنوز نقش تربیتی اهل بیت و تاثیر اعتقاد به آنها ناشناخته مانده است.



۳. در پایان، ذکر این نکته بسیار ضروری است که اگر زنان پارسایی را کنار بگذارند و با عفاف وداع کنند و استعداد خود را در کوچه و بازار و در نهان و اعیان برای فتنه گری و دلربایی و برانگیختن احساسات شهوانی مردان به کار گیرند، سپاه بزرگی برای شیطان می شوند. بنابراین همان گونه که یک زن می تواند همچون رباب، دلهم، رمله، ام و هب و ... در راه ادای دین خود به اسلام، جان فشانی کند و از جان و مال و شوهر و فرزند خود بگذرد، در مقابل هم، می تواند با جهالت خود ضربه های مهلکی را وارد کرده و در صف دشمن ظاهر شود. بنابراین هدف اصلی این مقاله، آن بوده است که پس از ذکر بعد مثبت و منفی نقش زن در مقطع حساس عاشورا این تلنگر را ایجاد نماید که یک زن همانند مرد در ادای دین خود مکلف و موظف است و نباید تاثیر خود را در فضای اجتماع دست کم گیرد و حتی می توان گفت در تراژدی تکامل بشر نقش ارزنده تر از مرد دارد، زیرا مردان برجسته از دامان زنان پاک به اوج کمال می رسند.

## منابع و مآخذ

۱. احمدوند، فاطمه، (۱۳۸۷)، جایگاه زنان در نهضت عاشورا، قم: انتشارات تبیان.
۲. امین، سیدمحسن، (۱۳۶۶)، سیره امامان فی رحاب ائمه اهل بیت، انتشارات ارشاد.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۳۸۰)، شرح نهج البلاغه، دار الرشد الحدیثه.
۴. ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، (۱۳۶۹)، البدایه والنهایه، بیروت: مکتبه المعارف.
۵. ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی، (۱۴۰۳ق)، تذکره الخواص، بیروت: انتشارات موسسه اهل بیت.
۶. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۶۸)، برگزیده الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی.
۷. آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، بررسی تاریخ عاشورا، تهران: نشر کتابخانه صدوق، چاپ ششم.
۸. آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۰)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: نشر کتابخانه صدوق.
۹. بهزادپور، سیمین دخت، (۱۳۸۴)، نقش آفرینی زنان صحابه در حماسه عاشورا، مباحث بانوان شیعه، شماره ۳.
۱۰. جواهری، محمودرضا، (۱۳۸۱)، زنان شجاع و حماسه ساز در نهضت عاشورا، انتشارات خیرالبریه، چاپ اول.
۱۱. حلی، ابن طاووس، (۱۳۸۰)، للهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه ی عباس عزیزی، انتشارات صلاه، چاپ اول.
۱۲. حلی، ابن طاووس، (۱۳۸۵)، آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه ی سید احمد فهری زنجانی، تهران: بین الملل.
۱۳. صدوق، محمدبن علی، (۱۴۰۴ق)، الامالی، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۴. طبری، محمدبن جریر، (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پانیده، انتشارات اساطیر.
۱۵. طوسی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، عملکرد زنان در نهضت عاشورا، کوثر معارف، شماره ۱۹.
۱۶. عاملی، حر، (۱۳۹۱)، وسائل الشیعه، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
۱۷. قمی، عباس، (۱۳۷۳)، نفس المهموم، ترجمه: محمد باقر کمره ای، انتشارات مکتب بصیرتی.
۱۸. کشی، محمدبن عمر بن عبدالعزیز، (۱۳۸۲)، رجال کشی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۹. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، ریاحین الشریعه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۸)، جلاء العیون؛ تاریخ زندگی چهارده معصوم (ع)، مشهد: نشر نوند.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مشکوری، مرضیه، (۱۳۷۷)، زنان و نهضت حسینی، فرهنگ کوثر، شماره ۱۴.
۲۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم.
۲۴. مقرر، عبدالرزاق، (۱۳۹۴ق)، مقتل الحسین، قم: انتشارات مکتبه بصیرتی.
۲۵. ولایت، قدر، (۱۳۸۱)، زنان عاشورایی و دختران شیطان، تهران: نشر موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ چهارم.
۲۶. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، (۱۳۸۳)، درسی که حسین به انسانها آموخت، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۲۷. یزدان پناه، زهره، (۱۳۸۳)، زنان عاشورایی، انتشارات هلال، چاپ اول.
۲۸. یعقوبی، ابن واضح، (۱۳۴۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه ی محمدابراه آیتی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

دانشگاه فرزانگان  
پروفسور سید هاشمی نژاد مشهد

## بررسی ویژگی های الگوی امام حسین (ع) به عنوان معلم

محبوبه صانعی<sup>۱</sup>، فاطمه فروتن<sup>۲</sup>، مهدیه کیوانپور<sup>۳</sup>، فاطمه زمندی<sup>۴</sup>

۱. محبوبه صانعی، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد،  
mahboobsanaee@gmail.com

۲. فاطمه فروتن، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد  
Fatemehforootan71@gmail.com

۳. مهدیه کیوانپور، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد  
۴. فاطمه زمندی، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

### چکیده

داشتن مقتدا و الگو برای پذیرش و پیمودن راه درست، امری ضروری است. اگر چه نهضت عاشورا بسی تلخ و اسف بار بود و دل انسان های آزاده را جریحه دار کرد، ولی یک حادثه معمولی نبود، بلکه با تمام وقایع تاریخ تفاوتی بس عظیم داشت. زیرا رهبرش عصارة نبوت و رسالت پنجمین نفر اصحاب کسا، تجسم حق و اسلام راستین، انسان کامل و تربیت شده دامن رسول خدا (ص) است. با توجه به این که الگودهی یکی از کارکردهای پنهان شغل معلمی است و دانش آموزان در هر لحظه شاهد رفتارها و اعمال الگوهای مختلف اعم از پدر و مادر، خواهران، برادران، همکلاسیها و معلمان در محیط پیرامون خود هستند، چنین امیدواری می دهد که به نقش الگودهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان بویژه در دوره دبستان که از اهمیت خاصی برخوردار است، اهمیت داده شود. بنابراین می توان الگوهای کاربردی و به عبارتی درسهای آموزشی از نهضت عاشورا در جهان امروزی دریافت کرد. چرا که فرهنگ عاشورا دایرةالمعارف و مملو از الگوها ست. و در روایتی از امام حسین علیه السلام می خوانیم «فلکم فی اسوه» من برای شما الگو هستم. ما در این مقاله به برخی از ویژگی های امام حسین (ع) به عنوان برترین الگو و معلم جهانیان پرداخته ایم.

واژگان کلیدی: الگو، امام حسین (ع)، معلم

## مقدمه

مهم ترین امتیاز انسان بر سایر موجودات عالم، قابلیت رشد و استعداد کمال در وجود اوست و هویت انسان در پرتو همین ویژگی معنا پیدا می کند، چه این که ارزش واقعی او در گرو پیمودن مسیر کمال و به فعلیت رساندن استعدادها و شکوفایی خلاقیت های باطنی او می باشد، و از این روست که آفریدگار جهان، همه موجودات هستی را در مسیر رشد و به خاطر پرورش و تکامل وی آفریده است. در این راستا، اگر انسان در سایه عوامل تربیتی، راه رشد و تربیت صحیح را بیاماید به بالاترین درجه فضایل و کمالات انسانی خواهد رسید، به گونه ای که ملائک از رسیدن به مقام وی عاجز می شوند. و اگر از روش تربیتی مستقیم منحرف شود، به موجودی پست و بی ارزش تبدیل خواهد شد. از سوی دیگر، به حکم آفرینش یکی از اوصافی که در نهاد هر انسانی به ودیعه گذارده شده، خصلت «الگوپذیری» است، زیرا هر کسی می کوشد به نوعی از شخصیت هایی که در اندیشه او بزرگ و کامل هستند، پیروی کند و شیوه و مقام آنان را سرمشق خود قرار دهد.

اکنون باید فرد الگوپذیر را در شناخت شخصیت های کامل و جامع که می توانند راهنمای او باشند، یاری نمود، تا در مسیر پر پیچ و خم و از میان هزاران الگوی ساختگی، خیالی و درست و یا نادرست راه درست را بیابد. قرآن بهترین قانون تربیت و انسان ساز، به این نکته عنایت دارد و برای تربیت و پرورش درست انسان ها، به معرفی چهره های نیک می پردازد. از این رو می فرماید: (و قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم) و (لکم فی رسول الله اسوه حسنه). بنابراین، داشتن مقتدا و الگو برای پذیرش و پیمودن راه درست، امری ضروری است.

همان گونه که اولیا در منزل برای فرزندان خود الگو هستند، معلمان نیز باید در مدرسه، به سبب نقش عمده تربیتی خود، الگوی شاگردان باشند. آنان باید نمونه ای عملی، برای آنچه که شاگردان را به آنان فرامی خوانند، باشند. آن چنان که امام علی (ع) می فرماید: «گفتار را فایده ای نیست مگر آن که با کردار تو آم شود.» (سلطانی عرب شاهی، ۱۳۷۷: ۲۶)

بنابراین در ادامه با تعریف لغوی و اصطلاحی الگو، به برخی از ویژگی های امام حسین (ع) به عنوان برترین الگو و معلم جهانیان می پردازیم امید است که در گزینش دانشجو معلمان به این ویژگی ها توجه شود.

«الگو»: در لغت به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، مثال و نمونه (دهخدا، ج ۲: ۲۸۰۳).

الگو همچنین به شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست اطلاق می شود. (انوری، ۱۳۸۱: ۴۶۰)

## خدا محوری

انسان موجودی ارزشمند است، تربیت و ارشاد او نیز به همان نسبت ارزش و بهاء دارد. بنابراین معلمی کارپایمان است همانگونه که آنان با تمام وجود در ارشاد و راهنمایی انسان ها تلاش و کوشش می کردند و در این راه همه دشواریها و شدائد را به جان می خریدند، معلمان نیز باید در تعلیم و تربیت دانش آموزان با تمام وجود تلاش کنند و از جان مایه بگذارند. نوح پیامبر ۹۵۰ سال به تبلیغ قومش پرداخت خداوند در سوره عنکبوت آیه ۱۴ می فرماید: ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فلث فیهم الف سنة الا خمسين عاما. یعنی: همانا نوح پیامبر را به مدت ۹۵۰ سال برای ارشاد قومش فرستادیم او با کمال بردباری و تحمل به راهنمایی آنان همت گماشته، شب و روز، آشکار و نهان به راهنمایی آنان پرداخت، بدون آنکه کمترین توقع و چشم داشتی از آنان داشته باشد (رشیدیور، ۱۳۶۳: ۶۸).

مرحوم ملاهادی نراقی درباره ی خلوص معلم می فرماید: شایسته است که آموزگار در تدریس خود به شاگردان از خلوص کامل برخوردار بوده و هیچگونه انگیزه و محرکی در او وجود نداشته باشد، خواه این انگیزه مربوط به چشم داشت مال و منال یا تصدی مقامات باشد یا عشق و علاقه به شهرت و معروفیت باشد بلکه باید تمام انگیزه اش تقرب بسوی پروردگار باشد (همان، ۶۹).

همچنین می توان گفت: یکی از عام ترین اصول در تربیت اسلامی اصل خدامحوری است. این اصل جوهره ی اساسی رفتار یک فرد دین دار را تشکیل می دهد و مهم ترین اصل ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر رویکردهای تربیتی به شمار می آید. به طور مشخص مفهوم خدامحوری عبارت است از:

«انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان براساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی».

جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه ی عملکرد مربی براساس آن ملاکهاست. قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرًا لُتَسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بگو: در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم (انعام، آیه ی ۷۱).

بنابراین، گزینش برنامه های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه ی رضایت خداوندی در مرتبه ی روز به روز فزونی یابد، تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه ی تعهد در مرتبه ی برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمره ی است که از این اصل حاصل می شود (مطهری، ۱۳۷: ۸۳).

امام حسین به شهادت خود ایمان داشت و می دانست این شهادت مزید افتخار خاندان رسالت و ارتقای درجات خویش خواهد بود. ایشان در دعای عرفات، رابطه خود را با خدایش به طرز شگفت انگیزی بیان کرده است و این که حسین (ع) در مسیر کربلا دایماً ذکر "الله، الله" می گفت نشان می دهد که در درونش، در رابطه با خدا، چیزی نهفته بود که اگر این حادثه صد بار هم اگر سخت تر و شدید تر از این می شد، برای او هیچ فرقی نمی کرد. او به کمال مطلق رسیده بود. خداوند در قرآن می فرماید: خدا کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و آخرت، با سخن استوار، ثابت می گرداند. حسین (ع) با تحمل مصایب دنیا، خود به درجه ای از عرفان رسیده بود که چون کوه های سر به فلک کشیده، ثابت و استوار بود. او به مرتبه ای از عرفان و خداشناسی رسیده بود که حادثه ای با آن عظمت از مصایب را زیبا می دید و زیبایی آن را خواهرش زینب (س) دیده بود. آنجا که در جواب عبید الله که از او پرسیده بود: "دیدنی خدا با برادرت چه کرد؟" فرمود: چیزی جز زیبایی ندیدم. این حادثه از نظر امام حسین (ع) در عین زشتی هایی که برای تاریخ دارد. آنجا که شکوه و عظمت انسان و اوج تحمل و صبر او در برابر کوه مشکلات نشان می دهد، زیباست. پیروزی نوع انسان در برابر سخت ترین آزمایش الهی، زیباست. چون نشان می دهد یک انسان وقتی که اوج می گیرد تا خدا گونه شدن می تواند به پیش برود. دعای عرفه امام حسین (ع) از بزرگترین و ژرف ترین و گران مایه ترین معارف در طول تاریخ انسان است که نشان می دهد که انسان تا کجا می تواند خدا شناس گردد. دعای عرفه به خودی خود بسنده است که ابعاد وسیع شناخت و اعتقادات اسلامی و تعلیمات روحی را حفظ کند و تعلیم دهد و رواج بخشد. در فرازی از دعای عرفه می خوانیم "خدای من! اشتیاق به شهود جمال و جلالت دارم و به خداوندی تو شهادت می دهم و به ربوبیت تو اقرار می کنم و اعتراف به رجوع به سوی تو می نمایم. آن کس که اشتیاق به دیدار تو در نهادش نیست از نفس خود بهره ای نخواهد برد، آن کس که میل و کششی به بارگاه تو ندارد، هیچ حقیقتی نتواند او را به خود جذب کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۸۵).

مفهوم واژه‌ی تعبد حاکی از نوعی ارتباط انسان با خدا که مستلزم تواضع، خشوع و فروتنی در برابر او و پرهیز از طغیان، تکبر و گردن‌کشی از دستورها و احکام وی است (معجم مقاییس اللغة، ۴۱۰ق: ۲۰۶).

تعبدمداری در دامنه‌ی تربیت از دو زاویه‌ی عمل تربیتی مری نسبت به مربی و برنامه‌های تربیتی، ملّظّر قرار می‌گیرد. تعبد در عمل تربیتی عبارت است از: «به کارگیری دستورهای الهی (امر و نهی) در تربیت مربی، اعم از این که دستورهای مزبور در گستره اهداف تربیت باشد یا در روش‌ها و یا هر بخش دیگر» (از نظر قرآن فرد مؤمن تنها دلیل انجام عمل را اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند می‌داند و به صرف آگاهی از این نکته که عمل مزبور از دید الهی مطلوب یا غیرمطلوب است اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن می‌کند. در قرآن آیاتی یافت می‌شود که گردن نهادن به عمل را صرفاً منوط به امر الهی کرده است. از آن جمله است: (انعام، آیات ۴، ۷۴ و ۱۶۳)، (توبه، آیه ۱۳۱)، (بینه، آیه ۵) و آیاتی مانند: «وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ؛ کسانی که ایمان آوردند از همان حق - که از جانب پروردگارشان است، پیروی کردند» (محمد(ص)، آیه ۳) «إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْ؛ و جز از آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم» (انعام، آیه ۵۰)).

منظور از آن در برنامه‌ی تربیتی، ایجاد و پرورش روحیه‌ی تعبد در مربی است، به نحوی که در او حالتی حاکی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر الهی ایجاد کند. ثبات در اهداف کلی و پیروی از قوانین ماندگار الهی، انگیزش درونی ناشی از حضور خداوند نزد فرد و کسب عزت نفس از طریق اتکا به خداوند و استغناء درونی از دیگران، رهایی از احساس تنهایی و ... بعضی از دستاوردهای تربیتی خدامحوری و تعبدمداری‌اند.

اوج عبادت و عرفان در سیره‌ی امام حسین برگزاری نماز ظهر عاشورا است. هنگامی که در ظهر عاشورا ابو ثمامه صیداوی به حضور آن حضرت آمد و در اوج جنگ با دشمن عرضه داشت: یا ابا عبدالله فدایت شوم گرچه این مردم با حملات و هجوم‌های پی‌درپی خودبه‌تو نزدیک شده و می‌خواهند تورا به شهادت برسانند اما به خدا سوگند تا مرا نکشته‌اند نمی‌توانند به تو آسیبی برسانند دوست دارم در حالی به ملاقات پروردگارم بشتابم که این آخرین نمازم را هم به امامت شما خوانده باشم.

با شنیدن سخنان ابو ثمامه امام به آسمان نگاه کرد و گفت:

نماز را یاد کردی خداوند متعال تورا از نماز گزارانی که به یاد خدا هستند قرار دهد بلی الان اول وقت نماز است.

سپس امام فرمود: لحظاتی از دشمن آتش بس بخواهید! ولی هنگامی که دشمن آتش بس موقت را نپذیرفت سالار شهیدان در مقابل باران تیر دشمن به نماز ایستاد. دو نفر از یاران امام حسین به نام‌های زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی برای محافظت امام پیشاپیش ایستاده و سینه‌هایش را در مقابل تیرهای دشمن سپر قرار دادند و حضرت به همراه یاران باقی مانده خود نماز ظهر عاشورا را به پاداشت.

یاران امام حسین که در رفتار گفتار آینه آن حضرت بودند در شب عاشورا چنان به مناجات مشغول بودند که نوشته‌اند: زمزمه‌های عاشقانه‌های آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش می‌رسید.

این نیاشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن شب جانبازی‌ها و حماسی‌های آنان اهل آسمان وزمین را به تحیر و داشت و در حقیقت ایثار و فداکاری‌های آنان نتیجه معرفت عمیق و کمال شناخت آنان از حضرت حق بود (پاک‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۴۴).

### شکیبایی

از صفات برجسته‌ی آن حضرت شکیبایی بود، همان صفات والایی که در قرآن هم، ملاک پیشوایی و امامت امامان معصوم (ع) و هم معیار پاداش آنهاست:

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا»

«وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَخَرِيرًا» (کرمی، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

پیامبر در مورد سرنوشت حسین (ع) گریه امانش نداد و این لازمه ی محبت و رقت قلب است و با شکیبایی ناسازگار نیست. هرگز نشد که آن حضرت مصائب خود یا یکی از افراد خاندانش را به یاد آورد و اشک بریزد؛ اما هرگاه حسین (ع) را می نگریست و یا مصائب او را به یاد می آورد گریه امانش نمی داد.

به علی (ع) می فرمود تا او را نگه دارد و خود گلولی او را ببوسد و هنگامی که سبب گریه را می پرسیدند، از فرود آمدن شمشیر های بیداد بر پیکر حسین (ع) خبر می داد.

آن حضرت هرگاه حسین (ع) را شادمان می دید، گریه می کرد و هرگاه او را اندوهگین می نگریست باز هم اشک می ریخت. هرگاه لباس جدید براندام او می دید گریه می کرد و همین گونه، با اقتدای به پیامبر، علی و فاطمه و حسن (ع) همگی بر مصائب و پیشامد های ناگوار که در راه حق برای حسین (ع) در پیش بود، می گریستند.

اما خود امام حسین (ع) در شکیبایی نمونه بود و در همه ی مراحل به شکیبایی سفارش می کرد. او به هنگام آخرین وداع به خاندانش، آنان را توصیه به صبر کرد و ضمن اندرز حکیمانه آنان را از وارد کردن خراش و صدمه بر چهره و پاره کردن گریبان و جزع و بی تابی نهی فرمود؛ ولی از گریه باز شان نداشت.

آری شکیبایی حسین (ع) به گونه ای بود که فرشتگان آسمان را شگفت زده کرد. بر وضعیت او بیندیش و شرایط سخت او را در نظرت ترسیم کن.

آن گاه که با زخم های بی شمار و فرق شکافته و پیشانی شکسته و سینه ی درهم کوبیده و سوراخ سوراخ شده از تیر سه شعبه بر ریگ تفتیده ی نینوا افتاده است و در همان حال تیر های ستم در گلو و حلق و گردنش فرو نهشته، زبان از شدت عطش و بسیاری حرکت، مجروح و جگر شعله ور و لب ها خشک است. قلب مبارکش از سویی با دیدن انبوه شهیدان بر خون طپیده اش سوخته و از دگر سو، با نظاره بر خاندان محاصره شده اش، سخت بریان و در تب و تاب است.

دست مبارک با ضربت شقاوت پیشه ای قطع و نیزه ای برانتهای پایش نهشته و محاسن و سروصورت به خون آغشته شده است. در همان شرایط از یک طرف فریاد دادخواهی خاندانش را می شنود و از طرف دیگر صدای شادمانی و شماتت دشمنانش را؛ چون چهره از خاک برمی دارد و دیده به این سو و آن سو می گشاید، پیکرهای به خون آغشته ای را می نگرد که در کنار هم چیده شده اند؛ ولی با همه ی این پیشامدهای سهمگین و مصائب بزرگ و طاقت فرسا، چون کوهی ثابت و استوار بر موضع برحق و قهرمانانه اش ایستاده است؛ نه آهی می کشد نه دریغی می دارد و نه یک قطره اشک ضعف، در برابر دشمن می ریزد و تنها زیر لب زمزمه دارد که:

«صبراً علی قضائک، لامعبود سواک، یا غیاث المستغیثین!»

بارخدا یا! من در برابر حکم تو شکیبایم! جز تو معبودی نیست، ای فریاد رس دادخواهان.

آری! در زیارت آن حضرت آمده است که:

«ولقد عجب من صبرک ملائکة السَّمَاوَاتِ.»

از شکیبایی تو در برابر رخدادهای عظیم و مصائب بزرگ، فرشتگان آسمانها شگفت زده شدند. (همان، ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸)

گذشت



عفو و گذشت از خطاکاران و افرادی که دچار لغزش شده اند از ویژگی های دیگر امام حسین است. آن حضرت به کمال بزرگواری و آغوش باز عذر گناهکاران را پذیرفته و آنان را در جبران خطایشان یاری می کرد.

یکی از ویژگی های معلمی بر خور داری از گذشت است. معلم در موارد زیادی با رفتارهای نادرستی از سوی دانش آموزان مواجه می شود و جملات غیر منطقی از سوی آنان به گوشش می رسد. معلم نمونه باید به خود بقبولاند که چشمانش خیلی چیزها را ندیده و گوش هایش خیلی چیزها را نشنیده است البته این بدان معنا نیست که معلم باید کورو کر باشد بلکه در حین این که تمام سعی خود را به کار می گیرد تا حریم بین خود و دانش آموزان شکسته نشود با این حال از برخی رفتارهای آنها نیز چشم پوشی می کند.

### قلب پر مهر

از صفات برجسته اش یکی هم رقت قلب و داشتن سوز دل نسبت به سرنوشت دیگران بود قلب پر مهرش بر تمامی همراهان و بر شدت ابتلا و آزمایش آنان سوز و گداز داشت. همواره برای کاهش مشکلات و رفع مصائب آنان تلاش می کرد و به خاطر همین دلسوزی و رقت قلب، گرفتاری و مصائب او بزرگتر می نمود.

بزرگمردی که از شدت مهر قلبی و عواطف سرشار انسانی، با دیدن شرایط غم بار نوجوانی، یتیمی، شدت تشنگی، پریشانی و افسردگی یادگار برادر و آمادگی اش برای نبردی سهمگین، چنان می گوید که بیهوش می گردد. باید اندیشید که وقتی با پیکر غرقه به خون و پایمال شده ی او روبه رو می گردد چه شرایطی برایش پیش خواهد آمد؟ (شوشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

محبت برای انسان یک نیاز اساسی محسوب می شود و انسان به وسیله آن تجربه یک زندگی لذت بخش را می چشد. محبت مانند دارویی شفابخش عمل می کند که درد ها و آلام را تسکین می دهد. از طریق محبت است که می توان بسیاری از نا بهنجاری های اخلاقی را اصلاح و از بی راهه رفتن خودداری کرد. نتیجه تأثیر محبت در بیت زیر خلاصه می شود.

از محبت خارها گل می شودوز محبت سرکه ها مل می شود

محبت برای کودکان که دارای روحیه ی لطیفی هستند و هنوز ناملایمات زندگی را نچشیده اند مهم تر است و در رشد آن ها تأثیر زیادی را می گذراد.

### اخلاق

آن گرامی مرد توحید و تقوا، همواره سبیل اخلاق نیکو و روش پسندیده بود، اما در شبانه روز عاشورا، جلوه هایی از این فضیلت انسانی از او تبلور یافت که شگفت انگیز بود، به گونه ای که اگر به رفتار و کردار و عملکرد او با هر کدام از یاران و خاندان و ارادتمندان و خدمتگزارانش در آن شرایط سخت بنگریم، چنان است که به راستی به ارزش ها و امتیازات اخلاقی بی نظیری بر می خوریم. (همان)

در اهمیت و برجستگی عامل اخلاقی همین مقادیرس که پروردگار درباره پیامبرش می فرمود: ای پیامبر اگر تو به تجهیزات اخلاقی مجهز نبودی هیچگاه در کارت موفق نمی شدی در این باره رسول خدا خود چنین می فرمود: انکم لن تسعوا الناس باموالکم فاسعوههم بطاقة الوجه یعنی: انسانها نمی توانند به وسیله اموالشان دل های مردم را متوجه خود سازند بلکه خوشخویی و گشاده رویی عامل جذب و شیفتگی است. بنابراین معلمان و مربیان تنها در پر تو تجسم اخلاق می تواند دل های شاگردان را جذب نمایند و از همین رهگذر به ساختن و پرداختن آنها بپردازند. نباید فراموش کنیم تغییرات مطلوب وقتی حاصل می شود که بین معلم و شاگرد جاذبه ای برقرار شده باشد و تا این جاذبه برقرار نگردد، شاگرد نمی تواند کمالات معنوی معلم را در خود منعکس گرداند. و پرواضح است که این شیفتگی و انجذاب تنها در برابر تجسم روحیات انسانی و اخلاقی امکان پذیر است. روی این مقدمات معلمان و مربیان پیش از آن که به تربیت شاگردان خود بپردازند باید به سازندگی خود اشتغال بورزند لذا دیده می شود که نوع پیامبران پیش از آن که به رسالت مبعوث شود، سالیانی در تنهایی و عزلت به ساختن خود می پرداختند.

امام جعفر صادق (ع) می فرماید: هر که کردارش با گفتارش مطابق باشد چنین کسی از رستگاران خواهد بود (رشیدپور، ۱۳۶۳: ۳۰ و ۳۱).

## عزت نفس

در روز جاودانه ی عاشورا هنگامی که آن حضرت بر اثر شدت زخم ها و ضربت کاری عنصر دشمنی به نام

صالح بن وهب، توان نشستن بر فراز مرکب و ادامه ی دفاع را از دست داد و به طرف راست چهره ی مقدّسش، بر روی خاک افتاد؛ همان ویژگی غیرتمندی و عزّت نفسش بدو اجازه آرمیدن بر روی خاک و شنیدن شماتت دشمن بی فرهنگ را نداد؛ به همین جهت با زحمت بسیار پیا خاست و این بار بر روی پای خویش به دفاع از حق پرداخت.

پس از چندی صدمات وارده، قدرت ایستادن را نیز از او سلب کرد، به ناچار در وسط میدان نبرد نشست و در حالی که حلقه محاصره بر او تنگتر می شد، غیرتمندانه و شجاعانه به دفاع از حق ادامه داد. این مرحله نیز با شدت یافتن زخم ها و ادامه ی خونریزی غیر ممکن شد و پیشوای غیرتمندان عالم، در واپسین لحظات شهادت قرار گرفت؛ اما شگفتا که در آن لحظات نیز به زحمت پیا می خاست و برخاک می افتاد تا دشمن، کار او را تمام شده ننگرد و جرأت جسارت و شماتت نیابد (شوشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

بسیاری از مشکلات انسان ها، به ویژه جوانان از نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خودباوری، ناشی می شود. ترس از ورود به اجتماع و اظهار اندیشه ها، نپذیرفتن مسئولیت و بسیاری از ناکامی ها و شکست ها عوارضی است که پیامد حقارت و ذلت نفس است.

## سخاوت و احسان

امام حسین نه تنها در عمل مردی بخشنده و کریم بود بلکه در خطابه ها و سخنان خویش مردم را به این کار دعوت می کرد و می فرمود: ای مردم کسی که سخاوتمند باشد او بزرگوار است و آدم بخیل پست و فرومایه قلمداد می شود. البته برترین سخاوتمندان است که به فردی احسان و کند و ببخشند که از او هیچ گونه امید و انتظاری ندارد.

آن حضرت در سخن دیگری بخشش به نیازمندان را فرصتی معنوی می داند که خداوند متعال گاهی در پیشروی انسان قرار می دهد و در این مورد می فرماید:

بدانید نیازهای مردم که به شما رجوع می کنند از نعمت های الهی است. مبادا با رنجاندن دل آنان در این نعمت ها کفران نمایند که این نعمت به دیگری واگذار می شود (پاک نیا، ۱۳۹۲: ۶۲).

در حرکت تربیتی بایستی راه های آسان و میسر به روی متری گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم شود و با متری از سرملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه را بر خود هموار سازد و طی طریق کند و به مقصود دست یابد. اگر کودک کار ناپسندی انجام داد و یا نتوانست مسئولیتش را به درستی انجام دهد نباید او را سرزنش و احساس ناتوانی را در او القا کرد بلکه باید با کمک، راهنمایی و گذشت از خطای او نیروی دوباره برای ادامه مسیر ایجاد کرد.

قال الرضا (ع): فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى (فَاصْفَحْ الصَّفْحَ الْمَجِيلَ) عَفْوَمِنْ غَيْرِ عَقُوبَةٍ، وَلَا تَعْفِي، وَلَا عَتَبَ. اما مرضا (ع) درباره این آیه (پس گذشت کن گذشتی نیکو) فرمود: مقصود گذشت بدون کيفر، نکوهش و سرزنش است (قربانی، ۱۳۸۹: ۳۲۹).

## با وفا بودن

منظور از وفا، ثبات در دوستی و داشتن صفا و صمیمیت است. در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم:

۱. امام (ع) در خطابه مکه فرمود: "وَمَا أَوْلَهُنَّ إِلَى أَسْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ"<sup>۱</sup>

این جمله اشتیاق او را درباره دیدار گذشتگان بیان می کند و این نیست مگر وفا و ثبات در دوستی و داشتن صفا و صمیمیت

۲. در هیچ یک از جنگ های خونین عالم دیده نشده که فرمانده لشکر هنگام حملات دشمن در کنار بدن افراد مجروح خود بنشیند و گریه کند، مگر در واقعه "طف" که آن حضرت بر بالین برخی از اصحاب حاضر شد و تا آنان جان در بدن داشتند، در کنار آنان بود و درباره شخصیت آنان سخن می گفت.

۳. آیا بالاتر از این وفا سراغ دارید که شخصیتی به عظمت امام (ع) بر بالین غلامی بنشیند و چهره به چهره اش گذارد؟

۴. وفای او مختص یاران با سابقه او نبود، بلکه درباره حر - که همان روز به اردوگاه حسین (ع) آمده - نیز همین وفا و صمیمیت مشاهده می شود.

معلم خوب به قول خود وفا می کند، تصمیم عجولانه نمی گیرد، دم دمی مزاج نیست، مجال سوء استفاده نمی دهد (فرخ مهر، ۱۳۶۴: ۹).

## نتیجه گیری

قرآن کریم و سیره و اهل بیت (ع) همواره چراغ راهند و ما را در رسیدن به مقام قرب و رضا الهی رهنمون می کنند. بنابراین الگو گرفتن از راه و روش آن ها همواره ساده ترین راه برای پیمودن صراط مستقیم و رسیدن به سر منزل مقصود است. در دنیای امروزه مراکز تعلیم و تربیت یکی از تأثیرگذارترین نهادها است که با روح و روان دانش آموزان زیادی سروکار دارد و می تواند نقش بسیار مهمی را در تعیین خط مشی زندگی دانش آموزان ایفا کند. امید است که معلمان به عنوان مهم ترین عضو تعلیم و تربیت با ارائه الگوی مناسب از خود به دانش آموزان به تحقق این هدف نایل شوند و ویژگی های امام حسین (ع) را به عنوان معلمی نمونه و فداکار سرلوحه کار خود قرار دهند.

## منابع و مآخذ:

قرآن کریم

ابن فارسی، احمد، (۱۴۱۰ ق)، معجم مقائیس اللغة، [بی جا]: الدار الاسلامیه،

انوری، حسین، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ پنجم، تهران: سخن

جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸)، عاشورانه، چاپ اول، قم: انتشارات خیمه

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲

رشیدپور، مجید، (۱۳۶۳)، چگونه باید تربیت کرد، چاپ دوم، تهران: انتشارات کعبه

سلطانی عرب شاهی، سیمین، (۱۳۷۷): اهمیت نقش معلمان در تعلیم و تربیت نوجوانان، تعلیم و تربیت، رشد معلم، شماره ۱۳۵

فرخ مهر، علی، (۱۳۶۴)، معلم خوب کیست، تعلیم و تربیت، رشد معلم، شماره ۲۸

قربانی، مهدی، (۱۳۸۹)، هزار و یک حدیث رضوی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات قاف امام رضا(ع)

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۲، چاپ اول، قم: صدرا

